

تلاش رژیم برای مهار مطبوعات

این واقعت را یک بار در دوران فروپاشی و سرنگونی رژیم شاه دیدیم. روزنامه های کیهان، اطلاعات، آیندگان و امثالهم که از بدو موجودیت شان در خدمت رژیم سلطنتی و پیشبرد سیاستهای ارتجاعی رژیم شاه قرار داشتند، با اوج گیری بحران سیاسی به انتقاد از سیاستهای رژیم شاه پرداختند، گروهی از نویسندگان، خبرنگاران و دیگر همکاران این روزنامه ها به جنبش اعتصابی مردم پیوستند و این روزنامه ها را به تربیون افشاگری علیه رژیم سلطنتی شاه تبدیل کردند. اکنون نیز در حالی که فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی آغاز شده و بحران سیاسی دائماً ژرف تر و ژرف تر میشود، همین پدیده در شرایطی دیگر وبه شکلی دیگر تکرار میشود. برخی از روزنامه ها و دیگر نشریات که سالها در خدمت رژیم و سیاستهای آن بوده اند و کمترین انتقادی از رژیم و سیاستهایش در این مطبوعات یافت نمیشد، اکنون پاره ای از سیاستهای رژیم را به باد انتقاد گرفته، در محدوده ای سانسور و اختناق را محکوم میکنند و به طرح مسائلی میپردازند که با سیاست اختناق و سرکوب رژیم در تضاد قرار دارند. اما علاوه بر این، اوضاع کنونی نسبت به دوران سرنگونی رژیم شاه تفاوتی هم دارد که از جمله میتوان به پیدایش تعدادی از مطبوعات جدید اشاره کرد که برخی از آنها مستقیماً وابسته به یک جناح از حکومت اند و تعدادی دیگر نیز که مستقیماً به این جناح وابسته نیستند، پشت این جناح موضع گرفته اند. اما ویژگی دیگر لحظه کنونی نسبت به دوران

جمهوری اسلامی اقدامات گسترده ای را برای کنترل و مهار مطبوعات سازمان داده است. توأم با فشار و محدودیت های وزارت ارشاد علیه برخی نشریات و بگیر و ببند های دادگاه های ضد انقلاب اسلامی، گروهی از نمایندگان مجلس ارتجاع طرح اصلاح قانون مطبوعات را به مجلس ارائه داده که هدف دوگانگی را تعقیب می کند. هدف آن از یک سو تضییقات و محدودیتهای بیشتری علیه مطبوعات و از سوی دیگر سلب اختیارات وزارت ارشاد وابسته به خاتمی و سپردن آنها به جناح دیگر است. واقعت این است که امروز، مساله مطبوعات به یک معضل جدی برای رژیم تبدیل شده است و هر دو جناح هر یک به شیوه خود در چارچوب سیاستهای خود برای مهار آنها تلاش میکند. این معضل از آنجائی ناشی میشود که همراه با رشد و گسترش بحران سیاسی موجود، برخی از نشریات و از جمله روزنامه های که سالها تحت کنترل رژیم و جناحی آن بوده اند، به انتقاد از برخی سیاستهای حکومت برخاسته و به طرح مسائلی میپردازند که خواست هیئت حاکمه نیست. معمولاً در کشورهایی نظیر ایران که دیکتاتوری عریان حاکم است، در شرایط اوج گیری بحران سیاسی که مبارزه مردم شکل علنی و مستقیم به خود میگیرد و شکافی عمیق، هیئت حاکمه و دستگاه دولتی را فرا میگیرد، برخی از ابزارهای تبلیغی هیئت حاکمه از جمله مطبوعات که سالها در خدمت این رژیم و توجیه گری سیاستهای آن بوده اند، به درجات مختلف از کنترل دستگاههای امنیتی - پلیسی و جاسوسی و سانسور خارج شده و به صف منتقدین و گاه مخالفین رژیم میپیوندند.

سعید امامی، ((اجنبی)) ((شهید))
((یونس)) ی طعمه ((نهنگ)) ! ؟

بعد از آنکه همه عقل کل های نظام فکری خود را رویهم ریختند تا نظام را از شر مخمصه ای که خود آن را سبب شده بودند، رها کنند، و کاسه واجبی را در حمام زندان بدست یکی از رهروان و معتقدان راستین امام و اسلام سرباز گمنام، سعید امامی اسلامی سپردند و به او خوراندند، تا با "خودکشی" این مهره اطلاعاتی، داستان قتل های زنجیره ای را داستانی مختومه اعلام کرده باشند، بی آنکه شاید خود بدانند، تازه بر ابعاد این قضیه و ابهامات و پیچیدگی قضایا می افزودند، مشت خود را باز ترو زنجیر قتل های زنجیره ای را بر گردن نظام سفت تر میکردند.

وقتیکه آخوند محمد نیازی رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح رژیم، در گفتگو با ایرنا برای اطلاع و قانع کردن افکار عمومی اعلام کرد که سعید امامی یکی از عوامل اصلی و محوری این قتل ها با خوردن داروی نظافت اقدام به خودکشی کرده است و انتقال وی به بیمارستان " تخصصی " و تلاش پزشکان برای نجات وی هم بی ثمر مانده است و در توضیح انگیزه این اقدام چنین عنوان کرد که " با توجه به مدارک موجود و اعترافات سعید امامی وی هیچ گونه راه فراری نداشت و اگر با این اتهامات به دادگاه میرفت حکم اعدام بود " شاید خود نمیدانست که با اظهار این چند جمله بر تناقض و ابهام که تجسم استیصال رژیم بود، نه فقط کسی را قانع نمیکند، بلکه بر ابعاد ناباوریه و ابهامات موجود در این زمینه نیز می افزاید و مورد تمسخر عموم مردم قرار میگیرد. بعد از گذشتن بیش از ۷ ماه از موضوع قتل های زنجیره ای، مهذا سناریو آنقدر با عجله تهیه شده و کودکانه بود که هیچکس حتی " خودیها " نیز آنرا باور نمی کردند. آخر اگر او از عوامل اصلی و محوری قتلها بوده است، پس چرا وسیله خودکشی در اختیارش قرار میگیرد و چرا از وی مراقبت نمی شود؟ و تازه از کجا معلوم که در دادگاه به اعدام محکوم می شد؟ چه کسی میداند شاید اگر در آنجا اسامی آمرین و دستور دهندگان اصلی و فوقانی را میگفت شاید محکومیت کمتری میگرفت؟! تازه این در حالیست که گفته میشود، درصد ماده سمی (آرسنیک) موجود در داروی

صفحه ۲

ستون مباحثات
جمهوری و
حکایت مردگان !

صفحه ۷

صفحه ۴

جنبش کارگری در سال ۷۷ (قسمت آخر) صفحه ۴

در این شماره

- ۳ سرمایه داران داخلی و بین المللی خواهان تجدید نظر در قانون کار شدند
- ۵ ارتجاع در حین پیشروی، در برابر کارگران عقب نشست!
- ۱۵ تروریسم فعال!
- ۶ ناطق نوری: وقتی سیل بیاید همه را خواهد برد
- ۱۶ آیا راه نجاتی برای کانون نویسندگان هست؟
- ۱۱، ۶ اطلاعیه های سازمان
- ۱۱ اخبار کارگری جهان
- ۹ اخباری از ایران
- ۲ کمک های مالی رسیده

سعید امامی، ((اجنبی)) ((شهید)) ((یونس)) ی طعمه ((نهنگ)) ! ؟

نظافت استاندارد، کشنده نیست و سعید امامی هم تا چند روز بعد از سرکشیدن آن زنده بوده ولی ناگهان! قلبش از کار ایستاده است!؟ هنوز تصویر این سئوالات و دهها سئوال و ابهام و ناباوری از چهره شنوندگان این سناریو محو نشده است که اکنون با خبر میشوند یکی از همان کسانی که رژیم و دستگاه اطلاعاتی و امنیتی اش تحت فشار و اعتراض مردم به این قتلها و جنایات، آنان را جنایتکار و عامل "اجنبی" خوانده بود، "مظلومانه شهید" شده است! موضوع از این قرار است که بعد از "خودکشی" سعید امامی، همکاران او در وزارت اطلاعات و امنیت، آنچنان مراسم مفصلی برایش برپا کردند که بسپار تعجب آور و سئوال برانگیز بود و نه فقط طرف سه روز، سه جلسه برزگرداشت درمساجد تهران و بهشت زهرا که به گفته همشهری هر بار ۴۰۰ نفر در آن شرکت داشتند برایش برگزار نمودند، بلکه در مراسم شب هفت او، چهره های شناخته شده و با نفوذی نیز شرکت نمودند و دربرگرداشت کسی که بقول رئیس سازمان قضائی رژیم حکمش اعدام بود، سخنرانی کرده و از وی بعنوان "شهید" یاد کردند. در این مراسم که از ورود خبرنگاران و افراد غریبه جلوگیری و خیابان ها و کوچه های اطراف مسجد توسط یک گروه کماندوئی ویژه حفاظت می شد، روح الله حسینیان، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی و رئیس یکی از شعب دادگاه ویژه روحانیت و همان کسی که در برنامه تلویزیونی "چراغ" در عین آنکه مقتولین را "مهدورالد" و "مرد" و "ضدانقلاب" خوانده بود، قتل های زنجیره ای را به نیروهای اطلاعاتی هوادار رئیس جمهور نسبت داده بود، و آخوند دیگری بنام زمانی، مراسم وعظ و سخنرانی داشتند که طی آن از سعید امامی بعنوان "شهید مظلوم" شیعیه یاد کردند که با "مرگ مظلومانه" خود به "لله" پیوسته است!

بکار بردن این واژه ها با توجه به بار و مضمون معینی که معنقدان به اسلام و شیعیه برای آن قائل اند در مورد کسی که به عمل "حرام" خود کشتی دست زده بود و طبق اکتشافات ثبت احوال جمهوری اسلامی، هویت و شجره نامه اش کم کم داشت به خاخام های فارس و صهیونیسم وصل میشد، بیش از پیش بروج ناباوریه و ابهامات افزود. اکنون نه فقط مردم که از اول هم هیچ گونه اعتقادی به این داستان نداشتند و آمرین اصلی قتل ها را می شناختند و با حقه بازیهای رژیم آشنا بودند، با شک و تردید به این قضایا نگاه میکردند، بلکه حتی در میان "خودی ها" نیز این کلک های بچه گانه شدیداً زیرسئوال رفت و بی خریدار ماند. درحالی که در روزنامه سلام و همشهری نسبت به سخنان حسینیان که کل دستگاه حکومتی را با مشکلات بیشتری روبرو میساخت اعتراض می کردند و می نوشتند که "سعید امامی از سرب دقتی عامل اصلی قتل ها معرفی شده است" و جریان برپائی مراسم هفت او نشان میدهد که "عقبه سعید امامی همچنان دست نخورده است و کسانی که او را به آدم کشتی گماردند هنوز پا برجا و قدرتمندند"، روح الله حسینیان در پاسخ به آنها، هم از سخنان و اقدامات خود و هم از سعید امامی که "هنوز پرونده اش به دادگاه نرفته و جرمش ثابت نشده بود" دفاع کرد! هدف رژیم از سازماندهی "خودکشی" و سرب نیست شدن سعید امامی که از نزدیکان و همفکران

فلاحیان بود و چندین سال معاونت وزارت اطلاعات و امنیت رژیم را برعهده داشت و بنا به موقعیت اش بی شک میتوانست اطلاعات زیادی هم در مورد نحوه تصمیم گیری، تصمیم گیرندگان و اجرای قتل نویسندگان و هم در مورد مجموعه اقدامات تروریستی رژیم در خارج از کشور داشته باشد، آن بود تا پای سازمان دهندگان اصلی تر و محوری ترین ترورها و سران رژیم بمیان کشیده نشود. سعید امامی بعنوان مهره ای در دستگاه اطلاعاتی، قربانی می شد، تا کل این دستگاه نجات یابد.

این موضوع در عین حال به روشنی از این مسئله حکایت داشت که رژیم و دستگاه امنیتی و اطلاعاتی اش در عین آنکه تحت شرایط معین وجو اعتراضی جامعه به جانی رسیده است که برای خارج کردن آمرین و مسببین اصلی قتل ها از زیر ضرب و ختم قضایا، میبایستی عناصری از این دستگاه را قربانی کند، در عین حال حاضر هم اطلاعات و صاف و صریح این عناصری که سالیان سال در "خدمت"، "اهداف مقدس" رژیم بوده اند، به عنوان قاتل و جنایتکار به محاکمه علنی بکشاند. چرا که این مسئله اولاً یاس و سرخوردگی بیشتری را در میان سربازان گمنام امام زمان که قرعه بنام آنها نیفتاده است دامن میزند و تضعیف بیش از پیش دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم را در پی دارد، ثانیاً در چنین محاکمه و محکمه ای چه بسا ممکن است پای خود حاکمان نیز بمیان کشیده شود که هیچک از اینها خواست و هدف رژیم نیست. این برداشت، به نوعی در سخنان آخوند زمانی که در همان مراسم هفت سعید امامی بر زبان آورد نیز انعکاس یافته است. وی در سخنان خود به ذکر داستان قربانی شدن "حضرت یونس" پرداخت و ضمن مقایسه کردن سعید امامی با یونس گفت "وقتی که آن نهنگ به کشتی نزدیک شد، اهالی کشتی قرار بر این گذاشتند که یک نفر به قرعه طعمه نهنگ شود و این قرعه بنام یونس پیغمبر خدا افتاد و اوقربانی شد".

در حال اگر چه تلاش رژیم بر پنهان نگاهداشتن چهره ها و کارگردانان اصلی این قتل هاست، با این همه این تلاشهای زبانونه و مجموعه مطالبی که در این باره مطرح شده است، برابها مات مسئله و رسوائی بیشتر سران رژیم افزوده است، به نحوی که امروز از اساس، حتی وجود خارجی شخصی با نام و هویت سعید امامی و اینکه در قضایا نقش اصلی و محوری داشته است یا نداشته است، اینکه اصلاً "خودکشی" کرده یا به قتل رسیده است، اینکه در جانی دفن شده یا در قید حیات است و در گوشه ای مخفی شده یا اینکه چه بسا در مراسم هفت خود هم شرکت داشته است؟ تمام اینها زیر علامت سئوال است. اصل قضیه هرچی می خواهد باشد، اما یک چیز کاملاً روشن است که تلاش رژیم برای خواباندن موضوع قتل های زنجیره ای و حذف نقش سران رژیم از ترورها و نجات حکومت از این مخمصه، قطعاً با شکست روبرو شد و برخلاف انتظار سناریو نویسان اسلامی، ختم امامی، خاتمه قضایا را در پی نداشت که مسئله را با حدت بیشتر و در ابعاد زیادتری در جامعه مطرح ساخت و رژیم را بیشتر از گذشته به مخمصه انداخت. همه می دانند که دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم در تمام این سالها زیر نظر عالیترین مقامات رژیم جمهوری اسلامی، به قتل و کشتار و ترور مخالفین در داخل و خارج کشور مشغول بوده است و مجوز قتل ها و ترورهای اخیر نیز توسط آنان صادر شده است. سران رژیم سناریوسازی میکنند تا خود و رژیم شان را نجات دهند، اما این ترفندها کار ساز نمی افتد! و بحران در دستگاه سرکوب و امنیتی رژیم

کمک های مالی رسیده

سوئد

سپیده، به یاد رفیق پدر فضیلت کلام ۱۰۰ کرون
پگاه بهاری، به یاد رفیق پدر ۱۰۰ کرون
ش-ب، به یاد رفقای فدائی شهدا
فضیلت کلام و رفیق پدر ۱۰۰۰ کرون
رفقای استکهلم، به یاد پدر فضیلت کلام ۴۰۰ کرون
رفقای استکهلم، به یاد پدر سه چریک فدائی خلق، پدر فضیلت کلام ۴۰۰ کرون

گوتنبرگ

صاع ۵۰۰ کرون

بلژیک

هواداران سازمان ۵۰۰ فرانک

آمریکا

بدون کد ۱۲۰ دلار

سوئیس

رفیق سعید سلطانیپور ۲۰۰ فرانک

دانمارک

۹۸-۹-۳۰ کرون
۹۸-۱۰-۳۰ کرون
۹۸-۱۱-۳۰ کرون
۹۸-۱۲-۲۹ کرون
۹۹-۱-۲۹ کرون
۹۹-۲-۲۶ کرون
۹۹-۳-۳۱ کرون

که وجهی و یا انعکاسی از کل بحران حکومتی است تشدید میشود و شرایط و زمینه ها را برای محاکمه تمامی جنایتکاران و سران رژیم در محکمه انقلابی توده ها فراهم تر می سازد.

راست این است که بحران سیاسی و حکومتی به مراحل بسیار حادی رسیده است و اوضاع رژیم بسیار خراب تر از آن است که با چنین سناریو سازیهائی بتواند برای خود مغری ایجاد کند. بر متن فضای نارضایتی عمومی و خشم فزاینده و تراکم یافته توده ای، شکاف دستگاه حکومتی عمیق تر از آن شده است که بخواید با این سریش مالی ها سر هم بندی شود. حتی هشدار های مکرر مصلحت اندیشان برای پائین کشیدن فتیله ها و بستن دفتر قتلها و خطر جاری شدن سیلی بنیان کن و بردن و روفتن "همه"، با وجود قابل درک بودن آن برای این "همه"، کار ساز و موثر نیست. کشتی حکومت اسلامی ترک برداشته و سوراخی بزرگان هم در ناحیه "چشم نظام"، کشتی و سر نشینانش را به هرسو می برد و فقط این نیست، امواج خروشان که خود را بر پیکر کشتی می کوبد، تعادل آن را بکلی برهم زده و در یک کلام رژیم جمهوری اسلامی از درون فرو ریخته است. بحران در دستگاه امنیتی رژیم و "خودکشی" از سر استیصال سعید امامی نیز بازتابی از همین فرو ریزی است!

جدائی دین از دولت، جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است

تلاش رژیم برای مهار مطبوعات

سرمایه داران داخلی و بین المللی خواهان تجدید نظر در قانون کار شدند

تلاش رژیم برای تعرض به حقوق و دست‌آوردهای کارگران، از طریق خارج کردن کارگاههایی که کمتر از چهار کارگر دارند از شمول قانون کار، در نتیجه مقاومت و مبارزه کارگران، عجلاتا با شکست روبرو گردید. مجلس ارتجاع تصمیم گرفت که این طرح را به مدت شش‌ماه مسکوت بگذارد، تا گویا روی آن کار کارشناسانه انجام بگیرد. این بدان معناست که برغم شکست رژیم در تصویب طرح، هنوز ماجرا خاتمه نیافته و نمایندگان سرمایه داران در مجلس ارتجاع در پی گذشت زمان برای تصویب طرح خود هستند، اما در حالی که بررسی طرح عجلاتا به مدت شش ماه مسکوت مانده است، تلاش های ارتجاعی سرمایه داران داخلی و خارجی برای انجام تغییراتی جدی‌تر در قانون کار به نفع سرمایه‌داران تشدید شده‌است. گروهی از سرمایه داران انگلیسی که اخیرا برای گفتگو با رژیم جمهوری اسلامی به منظور سرمایه‌گذاری و انعقاد قراردادهای اقتصادی به ایران سفر کردند، پیشنهاد تغییراتی در قانون کار را به نفع سرمایه داران مطرح نمودند. نمایندگان انحصارات انگلیسی در مصاحبه با مطبوعات و خبرنگارها پیرامون این مساله ادعا کردند که "قانون کار موجود تماما به نفع کارگران" است و برای رعایت منافع سرمایه داران، این قانون باید تغییر کند.

برهر کس که اندکی اطلاع از قانون کار رژیم جمهوری اسلامی داشته باشد، روشن است که این قانون در کلیت خود نه از منافع کارگران بلکه سرمایه‌داران دفاع میکند. در این قانون که بسیاری از موازین و استانداردهای بین المللی نیز رعایت نشده، حقوق ابتدائی و پایه ای کارگران در موارد متعدد لگدمال شده است. قانون کار رژیم جمهوری اسلامی حتی حق تشکل و اعتصاب را که در سراسر جهان برسمیت شناخته شده است، برسمیت نمی شناسد. پس نگرانی سرمایه داران از چیست و چه چیز دیگری میخواهند؟ واقعیت این است که سرمایه داران نمیخواهند هیچگونه تعهدی در مقابل کارگر بسپارند و میخواهند دستشان کاملا باز باشد که هر زمان خواستند کارگری را استخدام کنند و هر زمان که اراده کردند او را اخراج نمایند. با دستمزدهای ناچیز، کارگر را به کار وادارند، ساعات کار را به میل خود افزایش دهند و هیچ حق و حقوقی هم برای کارگر قائل نشوند. سرمایه داران میخواهند که همان مواد محدودی هم که در قانون کار موجود به نفع کارگران است و در نتیجه مبارزات مستمر کارگران، رژیم جمهوری اسلامی ناگزیر به پذیرش آن گردید، از قانون کار حذف کنند، تا در شرایطی که کارگران ایران از داشتن تشکلهای مستقل و حق اعتصاب محروم اند، هر چه میخواهند بر سر کارگران بیاورند، و استثمار کارگران را بنحو بی سابقه ای تشدید کنند. در پی انحصارات انگلیسی، سرمایه داران صنعتی ایران نیز در اجلاس مشترک خود به مناسبت "روز صنعت" اعلام نمودند که قانون کار باید

در چارچوب سیاستهای این جناح انتشار یابد، پروانه انتشار میدهند و از آنها دفاع میکند. جناح دیگر اما در همین محدوده نیز نمیتواند مطبوعات را تحمل کند و علاوه بر این انتشار این نشریات را تضعیف موقعیت خود در مقابل جناح رقیب میداند، لذا با استفاده از ابزارهای مختلفی که در اختیار دارد، میکوشد، انتشار آنها را متوقف سازد. در راستای همین سیاست است که اخیرا طرح اصلاح قانون مطبوعات از جانب گروهی از نمایندگان وابسته به جناح اکثریت به مجلس ارائه شد. اگر این طرح به تصویب برسد، این جناح با دست بازتری میتواند مطبوعات مخالف خود را تعطیل و سرکوب کند. از انتشار نشریات جدید جلوگیری نماید و سرانجام این که با تصویب این طرح، بخش اصلی اختیارات وزارت ارشاد در زمینه مطبوعات، از آن سلب و به دستگاه قضائی و روحانیت سپرده میشود. بر طبق چند ماده اصلاحی و تبصره جدید که در این طرح آمده است، قرار است رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور به ترکیب وزیر ارشاد، رئیس شورای شهر و رئیس کل دادگستری استان برای تعیین اعضای هیئت منصفه دادگاه مطبوعات اضافه شود. در همین ماده تبصره ای گنجانده شده است که اگر وزیر ارشاد از تشکیل این هیئت برای تعیین هیئت منصفه خودداری نمود، رئیس کل دادگستری مکلف به دعوت از اعضای هیئت و تعیین هیئت منصفه میباید. با افزوده شدن رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و یکی از اساتید حوزه علمیه قم به ترکیب اعضای هیئت نظارت بر مطبوعات، نقش وزارت ارشاد در صدور جواز انتشار نشریات و نیز لغو آنها محدود و این اختیارات عمدتا به جناح دیگر سپرده خواهد شد. از جمله موارد دیگری که در این اصلاحیه بر آن تاکید شده، بازگذاشتن دست دادگاههای ضد انقلاب اسلامی در سرکوب مطبوعات است. افشای منابع خبری، مسئول دانستن خبر نگاران و نویسندگان مطالب روزنامه ها و این که اعضای گروههای باصطلاح ضد انقلاب، یا گروههای فاقد مجوز قانونی، محکومان دادگاههای انقلاب و کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت و تبلیغ میکنند حق هیچگونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند، از دیگر موارد و تبصره های این طرح اند. از آنجائی که این طرح نه فقط علیه مطبوعات، نویسندگان و خبر نگاران بلکه اقدامی برای سلب اختیارات وزارت ارشاد محسوب میشود، طرفداران خاتمی نیز با آن مخالفت کرده اند. قرار است بزودی این طرح در مجلس ارتجاع به بحث گذاشته شود. اگر این طرح به تصویب برسد فشار به مطبوعات افزایش خواهد یافت. با این وجود، رژیم قادر نخواهد بود که اوضاع را به چندین سال پیش برگرداند. با این فشارها، مخالفت و اعتراض مطبوعات علیه رژیم دامنه وسیع تری به خود خواهد گرفت و این حقیقت باز هم بیشتر روشن خواهد شد که جمهوری اسلامی ذاتا با هرگونه آزادی و از جمله آزادی مطبوعات، دشمنی اشتهی ناپذیر دارد.

سرنگونی رژیم شاه در این است که برغم رشد بحران سیاسی، نارضایتی و اعتراض مردم و نیز شکاف درونی دستگاه دولتی، این بحران هنوز تا بدان درجه رشد و تکامل نیافته که سررشته امور به کلی از دست رژیم خارج شده باشد و دیگر نتواند کاری انجام دهد. لذا برغم این که رژیم دیگر در موقعیتی نیست که بتواند مطبوعات را به روال سابق کنترل و مهار کند، معهذاً هنوز این قدرت را دارد که دست به پیکرشته اقدامات سرکوبگرانه علیه مطبوعات بزند.

این اوضاع، به نوعی کشمکش و درگیری میان رژیم و تعدادی از مطبوعات انجامیده است. از یک سو، سرکوب برخی مطبوعات و فشار به آنها ادامه دارد و از سوی دیگر این مطبوعات نیز کار خود را میکنند و حاضر نیستند به دوران گذشته رجعت کنند.

در برخورد به معضل رژیم در مقابل مطبوعات، برغم این که دو جناح اصلی هیئت حاکمه سیاستهای متفاوتی دارند، اما هر دو در این زمینه نقطه نظر واحدی دارند که هر نشریه ای که بخواهد خارج از سیاستهای دو جناح حرکت کند، استقلال بیشتری از خود نشان دهد، و از انتقادات موجود به رژیم و سیاستهای آن گامی فراتر نهد، باید سرکوب و تعطیل شود. در گذشته دیده ایم که وزارت ارشاد اسلامی آقای خاتمی و دستگاه قضائی یزدی متحدا دهها نشریه و روزنامه را تعطیل و مدیران و نویسندگان آنها را به زندان انداخته‌اند. آخرین آن نیز نشریه "هویت خویش" بود که با شکایت وزارت ارشاد، توسط دستگاه قضائی توقیف گردید و دوتن از گردانندگان آن هم روانه زندان شدند. سپس هیئت نظارت بر مطبوعات پروانه انتشار آن را لغو کرد.

مهاجرانی که گویا به وزیر "لیبرال" آقای خاتمی معروف شده است، در یکی از مصاحبه های خود در پاسخ به علت تعطیل این نشریه گفت: "سوء استفاده کنندگان از آزادی ضررشان کمتر از دشمنان آزادی نیست. این نشریه با هتاک و طرح مسائل از زاویه ماجراجویانه تخلفات فراوانی داشته است." برغم این که دست اندرکاران این نشریه از طرفداران حکومت اسلامی هستند که سالها عامل و پیش برنده سیاستهای رژیم در سرکوب دانشگاهها بوده اند، اما همین کافی بود که به رهبر حکومت اسلامی انتقاد کنند. اندکی ولایت فقیه را زیر سوال برد، تا هر دو جناح مشترکاً علیه آن اقدام کنند. بله! آزادی آقای خاتمی و وزیر دستگاه سانسور آشقدر آبی است که حتی نشریه "هویت خویش" را هم نمیتواند تحمل کند. بهرحال تا اینجا هر دو جناح سیاست مشترکی در سرکوب مطبوعات دارند. اما در عین حال برای کنترل مطبوعات و مهار آنها، اختلافات و راه حل هائی متفاوتی هم دارند. جناح خاتمی برای مهار بحران سیاسی، از جمله سیاستهایی که دارد، یکی هم، دفاع از انتشار مطبوعات کنترل شده در چارچوب حکومت اسلامی و تاکتیک تساهل و تسامح است. لذا به نشریاتی که بخواهند

جنبش کارگری در سال ۷۷ (قسمت آخر)

نکته اشاره کرده ایم که ۲۱ در صد حرکت های اعتراضی کارگری شکل توقف کار و اعتصاب بود گرفته است. اما موضوعی را که در اینجا باید بان توجه نمود این است که این رقم ۲۱ درصد، فقط آندسته از اعتصابات کارگری را در بر میگیرد که کارگران صرفاً با امتناع از کار، تولید را متوقف کرده اند و بی آنکه به شکل دیگری از مبارزه کارگری روی آورند که شکل اعتصاب را تحت الشعاع قرار دهد. بعد از پایان اعتصاب مجدداً شروع به کار کرده اند. حال آن که در سال گذشته بسیاری از حرکت های اعتراضی کارگری در شکل اجتماعات اعتراضی در برابر کارخانه ها یا مراکز دولتی رخ داده و هرچند که شکل این حرکت های اعتراضی، برپائی تجمع اعتراضی بوده است، اما این تجمعات نیز در هر حال مستلزم آن بوده است که کارگران دست از کار بکشند و یعنی که اعتصاب کنند. در این دسته از حرکت های اعتراضی کارگری که شاید بتوان بر آن نام " اجتماعات اعتصابی " نهاد، کارگران برای برپائی اجتماع اعتراضی و برای آنکه فرضاً در برابر فلان دفتر و مرکز اداری جمع شوند، روشن است که قبل از آن باید کار را تعطیل کرده باشند. بدیهی است که این نمونه حرکت های اعتراضی فقط می توانسته است در کارخانه های هنوز دایر صورت پذیرد. حال اگر از آن دسته از واحدهای تولیدی و کارخانه هایی که بکلی تعطیل شده اند و لذا در اعتراض به این مسئله و برای ادامه کاری کارخانه و بازگشت به کار و امثال آن دست به تجمعات اعتراضی زده اند، صرف نظر کنیم، در باقی موارد، تجمع اعتراضی کارگران مقدمتاً مشروط به دست کشیدن از کار و اعتصاب میشده است.

بررسی ما نشان می دهد که از مجموع ۵۴ تجمع اعتراضی کارگری، ۲۹ مورد آن یعنی بیش از ۵۰ درصد آن به شکل " اجتماعات اعتصابی " بوده است.

عین این مسئله در مورد راه پیمائی و تظاهرات کارگران و نیز در مورد تحصن کارگران مشغول به کار هم صادق است. کارگرانی که برای مقابله با کارفرمایان و تحقق مطالبات خویش دست به راه پیمائی و تظاهرات زده اند و یا در محلی متحصن شده اند، معنایش این است که قبلاً دست از کار کشیده و اعتصاب کرده اند حدود نیمی از این دسته از حرکت های اعتراضی کارگری نیز بصورت تظاهرات اعتصابی (۴ مورد) و تحصن اعتصابی (۴ مورد) بوده است.

حال اگر این ارقام را (۴ + ۴ + ۲۹) یا رقم تعداد اعتصاب هایی که در جدول شماره ۲ آورده شده است (۲۸ مورد) جمع بزنیم، حاصل آن ۶۵ مورد اعتصاب، چه اعتصاب خالص چه در ترکیبی با سایر اشکال مبارزه کارگری است. معنای این ارقام این است که در سال گذشته نزدیک به ۵۰ درصد از مجموعه حرکت های اعتراضی کارگری، بصورت اعتصابات بروز یافته است و این، مسئله بسیار مهم و در خور توجهی است. تاکید بر اهمیت این شکل مبارزه کارگری از دو جنبه حائز توجه است. یکی از این جنبه که کارگران ایران در حالی دهها بار دست به اعتصاب زده و از این شکل عالی مبارزه علیه کارفرمایان استفاده کرده اند که اولاً طبق معیارهای جمهوری اسلامی، اعتصاب یک عمل غیر قانونی است و کمترین مجازات آن سرکوب و اخراج است. دوماً در شرایطی که بدون اعتصاب هم دسته دست از کارگران اخراج و از کار بیکار میشده اند، اعتصاب بیش از هر وقت دیگری با خطر

کشیدن از کار و اعتصاب، به مقابله با کارفرمایان و سرمایه داران برخاستند و از این طریق خواستار تحقق مطالبات خود شدند. این شکل مبارزه کارگری عمدتاً در واحدهای بزرگ تر و کارخانه هایی که کارگران آن از تجربه و آگاهی بیشتری در مبارزه علیه کارفرمایان برخوردار بوده اند بکار گرفته شده است. اعتصابات کارگری اگرچه اساساً تک افتاده و بی ارتباط بهم بوده است، اما کارگران در این اعتصابات متعدد، چه در اعتصابات کوتاه مدت و یکی دو ساعته و چه اعتصابات که چندروز و گاه به دو هفته و بیشتر هم به درازا کشید، گوشه هایی از نیروی اتحاد خویش را به نمایش گذاشتند. از جمله مهم ترین اعتصابات کارگری در سال گذشته میتوان به موارد زیر اشاره کرد.

اعتصاب کارگران کارخانه ذوب فلزات یزد در اواخر فروردین، اعتصاب کارگران پتو بافی رشت در همین ماه، اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان (کوره بلند) در فروردین و خرداد، اعتصاب ۵۰۰۰ کارگر نساجی مازندران در اردیبهشت، اعتصاب ۲۰۰۰ کارگر کارخانه های چیت سازی تهران در خردادماه، اعتصاب ۱۸۰۰ تن از کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر در شهریورماه، اعتصاب ۲۰۰۰ تن از کارگران شرکت جنگل شفاورد در همین ماه، اعتصاب در نخ ریسی بارسیلون خرم آباد در آبان ماه، اعتصاب ۲۵۰۰ تن از کارگران نساجی مازندران (قائم شهر) در همین ماه، اعتصاب ۸۰۰ تن از کارگران کارخانه شیشه همدان در آذرماه، اعتصاب ۷۰۰ تن از کارگران شرکت سیپورکس در اسفندماه. در این اعتصابات و دهها اعتصاب دیگر که در جدول شماره (۳) نیز به آن اشاره شده است، اعتصابیون خواستار حقوقهای عقب افتاده، امنیت شغلی، بهبود شرایط کار، افزایش دستمزدها، طرح طبقه بندی مشاغل و نظیر اینها شده اند.

در رابطه با اعتصابات کارگری به دو نکته باید اشاره کرد. اولاً در پاره ای موارد اعتصابات کارگری از حد توقف ماشینیها و صرفاً دست کشیدن کارگران از کار فراتر رفته و از برخی ویژگیها نیز برخوردار بوده است. بعنوان مثال در کارخانه شیشه سازی همدان، کارگران که در اعتراض به سیاست های مدیریت کارخانه دست از کار کشیده بودند، در ادامه حرکت اعتراضی خود، از ورود معاونت اجرائی به کارخانه نیز ممانعت کرده و بخاطر برخورد های اهانت آمیز وی با کارگران، خواستار برکناری وی می شوند. و یا کارگران نساجی مازندران که ضمن اعتصاب و اشغال کارخانه مدیر عامل شرکت را نیز بازداشت میکنند و یا کارگران پتو بافی رشت که ضمن اعتصاب و توقف تولید، برای آنکه صدای اعتراض شان را بگوش سایرین برسانند، اقدام به مسدود نمودن جاده فومن - رشت میکنند و یا در یک مورد دیگر که کارگران پالایشگاه های نفت آبادان، بندرعباس و نیز بندر ماهشهر و مسجد سلیمان در یک اقدام هماهنگ و مشترک به دولت هشدار میدهند چنانچه دستمزدها آنها برابر نرخ تورم افزایش نیابد و پیمان های دسته جمعی کار به مرحله اجرا گذاشته نشود، متفقاً دست به اعتصاب خواهند زد که تقریباً همزمان با آن کارگران پالایشگاهی تهران، تبریز، شیراز و اصفهان نیز اولتیماتوم مشابهی به دولت می دهند!

اما نکته دومی که باید بآن اشاره کنیم، موضوع کمیت اعتصابات است. ما در جدول شماره ۲ به این

در شماره قبلی نشریه کاربررسی جنبش کارگری در سال ۷۷ را تا توضیحاتی پیرامون اشکال مختلف حرکت های اعتراضی کارگران تعقیب کردیم و در بررسی اشکال مختلف حرکت های اعتراضی کارگری ما توضیح دادیم که در سال گذشته تجمع اعتراضی کارگران در برابر کارخانه ها و یا مراکز دولتی، یکی از مهمترین اشکال اعتراضی کارگران بوده است. اکنون بپردازیم به سایر اشکال حرکت های اعتراضی کارگری.

بررسی مادرزمینه اشکال مبارزه کارگری، اینطور نشان می دهد که بعد از تجمع اعتراضی، ارسال نامه و طومار اعتراضی به مطبوعات، ادارات و مسئولین حکومتی، از لحاظ کمی رقم بالنسبه بالائی را تشکیل میدهد و به حدود ۲۶ درصد از کل حرکت های اعتراضی کارگران می رسد. همین بررسی حاکی از آن است که این شکل اعتراض کارگری، عموماً بیشتر در واحدهای کوچک تر مورد استفاده قرار گرفته است و یا اگر هم در سایر واحدهای تولیدی از این شکل مبارزه استفاده شده است، گاه در ادامه و گاه در تداوم و در ترکیب با سایر اشکال مبارزه کارگری بوده است. بعنوان مثال در کارخانه نازپوش انزلی، کارگران همزمان با تجمع اعتراض آمیزی که در محل کارخانه برپا کرده بودند، نامه اعتراض آمیزی نیز برای مطبوعات فرستادند یا کارگران صنایع ضایعات فلزی، کارخانه نخکار، کیان چرخ و برخی دیگر از واحدهای تولیدی نیز که ترکیبی از نامه نویسی و امضای طومار با سایر اشکال مبارزه را به کار گرفته اند. در هر حال موضوع و مطالبات مطروحه در این نامه ها همانطور که در جدول شماره (۳) نیز انعکاس یافته است اساساً بازتاب تعرض کار فرمایان و سرمایه داران است. احتمال انحلال و یا توقف واحد تولیدی، قراردادهای موقت، بازخرید و اخراج، موضوع اعتراض این نامه ها بوده که با خواست هایی چون ادامه کاری کارخانه، بازگشت بکار، طلب های معوقه و امثال آن همراه بوده است. قاعده عمومی اگرچه بر همین منوال بوده است اما استثنائاتی در این زمینه نیز دیده می شود به این صورت که در معدودی از واحدهای تولیدی در عین آنکه کارگران از این شکل مبارزه استفاده کرده اند که یک شکل اولیه و دفاعی است، اما مطالباتی فراتر از اینها را مطرح کرده اند. مثلاً کارگران چاه نفت شماره یک کبود کوه، پروژه ای نفت آبادان، نفت گچساران و کارگران مس کرمان، در نامه های اعتراضی خود، خواسته های نظیر، انعقاد پیمانهای دسته جمعی، اجرائی طرح طبقه بندی مشاغل، افزایش دستمزدها و مزایای کامل را نیز به میان کشیده اند. بهر رو اگر از اعتراضات کارگری در شکل ارسال نامه و امضای طومار درگذریم، بعد از اعتراض کارگری در شکل برپائی تجمعات اعتراضی، بیشترین رقم و شیوه مبارزه کارگری در سال گذشته، اعتصاب بوده است.

اعتصاب :

اصلی ترین شکل اعتراض کارگری در سال ۷۷، توقف کار و دست زدن به اعتصاب بوده است. دهها هزارتن از کارگران درسراسر ایران، برغم محدودیت ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی گوناگونی که رژیم علیه کارگران و برای ممانعت از اعتصابات کارگری اعمال نموده است، با دست

ارتجاع در حین پیشروی، در برابر کارگران عقب نشست!

مصون میماند. موضوع آنقدر روشن است که حتی نایب رئیس کمیسیون کارمجلس نیز تجارب قبلی در این زمینه را مثال میزند و از کاهش چشمگیر نیروی کار در کارگاههای ۵ تا ۹ نفر در سالهای ۷۰_۷۵ به علت بخشودگی حق بیمه سهم کار فرمایان " کارگاههای زیر ۵ نفر یاد می کند. او میگوید " آمار نشان میدهد که از زمان اجرای این بخشودگی، کارگاههای ۵ تا ۹ نفر بتدریج کارگران خود را برای استفاده از بخشودگی قانونی مرتباً کاستهاند که در نتیجه ۴۱۸۲۶۶ نفر به خیل بیکاران افزوده شده اند" (کار و کارگر ۱۲ خرداد ۷۸) بنابراین، اولاً " این مسئله کاملاً" روشن است که یکی از عوارض اجرای این طرح، اخراج و بیکاری صدها هزار کارگر است، ثانیاً "هدف اینست که در گام اول کارگاههای از یک تا سه نفر را از شمول قانون کار خارج کنند، بعد به کارگاههای زیر ۱۰ نفر برسند و بعد هم به کارگاههای بزرگتر وکل واحدهای تولیدی!

بهر حال اگر برخی از خانه کارگرها و طرفداران خاتمی از این زاویه که با تصویب این طرح دولت از دریافت سالانه مبلغ ۵۳۰ میلیارد ریال بعنوان حق بیمه از بخش تامین اجتماعی محروم میشود و یا ذکر اینکه تصویب این طرح "به زیان اقتصاد ملی" است و یا از این جنبه که تصویب این طرح ۲۵۰ میلیارد ریال از ناحیه اخراج کارگران کارگاه های ۴ الی ۵ نفره بار مالی به همراه دارد (کار و کارگر ۱۲ و ۱۸ خرداد ۷۸) با آن مخالفت میکنند، اما کارگران که در تصویب این طرح تعرض وسیع تر سرمایه داران و کارفرمایان را می دیدند، به درستی با آن به مخالفت برخاستند و نه فقط کارگران مشغول به کار در کارگاههای کوچک تا سه نفر، که همه کارگران شدیداً در برابر این طرح از خود عکس العمل مخالفت آموختند. تعرض به این بخش از کارگران، تعرض به سایر بخشهای کارگری بود. کارگران به تجربه دریافتند که وخامت شرایط کارگران در این بخش، یقیناً بر روی سایر بخش های کارگری نیز تاثیر میگذارد و قدرت چانه زنی کارگران را در مجموع از این هم که هست پائین تر می آورد. مخالفت گسترده کارگران بحسب بود که برخی از نمایندگان که جزو ۳۰ نماینده امضای کننده طرح بودند در روز قبل از رای گیری، حتی اعلام کردند که از این طرح، دیگر دفاع نخواهند کرد و هیئت وزیران نیز با آن مخالفت کرد. معهذاً برغم تمام اینها روز هجدهم خرداد، کلیات طرح معافیت کارگاههای کوچک از شمول قانون کار با ۱۰۷ رای موافق در برابر ۹۳ رای مخالف و ۹ رای ممتنع از تصویب مجلس گذشت.

تصویب نهائی کلیات این طرح که خشم و نارضایتی عمیق کارگران را در پی داشت، فضای التهاب آمیزی را بر محیط های کارگری مستولی کرد. در حالیکه کارگران خود را برای مبارزه ای وسیع و گسترده آماده می کردند، مبارزه ای که دیگر قرار نبود در چارچوب اراده و تلاش خانه کارگروامثال آن محدود شود و این را در تظاهرات روز اول ماه مه هم نشان داده بودند، مبارزه ای که در جریان آن اوضاع از دست اینان و همه به ظاهر مدافعان حقوق کارگری خارج میشد و عواقب آنهم غیر قابل پیش بینی بود، در حالیکه کارگران ضمن ابراز مخالفت اعتراض آمیز شدید با این مصوبه تهدید میکردند که تصویب کنندگان خود بایستی عواقب این مسئله را پاسخ گو باشند! همان روز این صدا به گوش مجلس ارتجاع هم رسید و پیشنهاد مسکوت گذاشتن شش ماهه آن که از طرف ۴۰ تن از نمایندگان مطرح شده بود، روز بعد به بحث و رای گیری گذاشته شد که از مجموع ۱۹۹ نماینده حاضر ۱۰۱ نفر به آن رای مثبت ۸۰ نفر رای منفی و ۱۸ نفر رای ممتنع دادند و به این ترتیب مجلس، عقیم ماندن مصوبه خویش را

این طرح هم، نه دستمزد آنها طبق میزان حداقل دستمزدی که در "شورای عالی کار" تعیین میشود، تعیین و پرداخت میشده است، نه ساعات کار آنها محدود و مشخص بوده است و نه در اکثر موارد از مزایای تامین اجتماعی و سایر مزایای حقوقی کارگاههای بزرگ و کارخانه ها برخوردار بوده اند. دستمزدها، ساعات و شرایط کار و غیره در این نوع کارگاهها تماماً" توسط کارفرما و صاحب کارگاه و به شیوه ای پدرسالارانه تعیین میشده است و بدون هر لحظه هم که کارفرما اراده کرده است، بدون در دسر، کارگران را اخراج میکردند. بنابراین هدف طراحان و مدافعین اصلی این طرح فقط محروم سازی بخش زیادی از کارگران از حقوق و مزایای اجتماعی به رسمیت شناخته شده در قانون کار، حال در همان محدودی اندکی که می توانستند از آن استفاده نمایند نبود، هدف آنها فقط این هم نبود که دست کارفرمایان و صاحبان کارگاههای کوچک را در تشدید فشار بر کارگران و استثمار وحشیانه و یا اخراج آنان بازتر کنند، هدف اصلی و نهائی آنها فراتر از این ها، تعرض به همه کارگران از طریق "تغییر و اصلاح" قانون کار است. آنان که از اواسط سال گذشته موضوع تغییر قانون کار را پیش کشیده و حتی پیش نویس قانون جدیدی را نیز تهیه کرده اند، چنین هدفی را پنهان نکرده اند و با جدیت، اما به آرامی آن را تعقیب کرده اند. امروز هر کارگر بالنسبه آگاهی این موضوع را می داند که قانون کار جمهوری اسلامی، قانونی بغایت ارتجاعی است که در آن اساسی ترین خواست های سیاسی و اقتصادی کارگران پایمال شده است و حتی استانداردهای بین المللی و نرم های سایر کشورهای سرمایه داری در زمینه حقوق پایه ای کارگران نیز علناً زیر پا گذاشته شده است. از نحوه استخدام و تعیین حداقل دستمزدها گرفته تا ساعات و شرایط کار و شرایط حاکم بر اضافه کاری، امنیت شغلی، بیمه درمانی، از کارافتادگی، بیکاری و موضوع امکانات ایمنی و بهداشتی و امثال آن هیچکدام با معیارها و استانداردهای بین المللی مطابقت ندارد. در قانون کار جمهوری اسلامی کارگران حتی از حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل خود هم محروم اند. باین وجود سرمایه داران و کل طبقه حاکمه که موقع تعرض به طبقه کارگر را مناسب یافته و استثماررخشن تر و وحشیانه تری را تدارک می بینند، خواب یک قانون کار ارتجاعی تری را می بینند. آنان با این ادعا که رشد ناسامانی های اقتصادی موجود اعم از بیکاری و رکود و غیره در قانون کار نهفته است و صاحبان سرمایه با وجود این قانون، رغبتی برای سرمایه گذاری از خود نشان نمی دهند، هدف اصلی و مرکزی خود را تغییر قانون کار قرار داده اند، تا همان حداقل های ناچیز و مواد سر و دم بریده ای را که ولو با زور کارگران و تحت شرایط معینی به نفع کارگران در این قانون منظور شده است از آن حذف کنند و این قانون را به سطح اعصار گذشته و باب " اجاره" و "جعاله" رجعت دهند. تصویب کنندگان این طرح ضدکارگری، با تعرض جدید خود به حقوق کارگران، در واقع امر تعرض بزرگ تر و وسیع تری را تدارک دیده اند. تصویب این طرح هر چند در آغاز به معنی بیکاری صدها هزار کارگر مشغول بکار در کارگاه های کوچک می باشد و کارفرمایان این کارگاهها برای استفاده از مزایای این طرح و رساندن کارگران کارگاه به مرز سه کارگر، بدون فوت وقت دست به اخراج وسیع کارگران خواهند زد، اما این طرح نه قرار است در این حدود باقی بماند و نه شرایط کار سایر کارگران و کل طبقه کارگران این تعرض

طرح معافیت کارگاه های کوچک از شمول قانون کار و تامین اجتماعی، سرانجام روز هجدهم خرداد از تصویب نهائی مجلس ارتجاع گذشت. مجلس، همزمان با تصویب این طرح، مسکوت گذاشتن ۶ ماهه اجرای مصوبه خود را نیز تصویب کرد. طبق این مصوبه مجلس، کارگاههایی که دارای سه کارگر و یا کمتر هستند بطور رسمی از دایره شمول قانون کار و تامین اجتماعی کنار گذاشته شدند. توافق نهائی جناح های اصلی حکومتی روی این موضوع و تصویب چنین طرحی که دست کم شامل حال ۴۰ درصد از کارگران می شود و به گفته وزیر کار ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر و ۱ میلیون و ۹۰۰ هزار کارگاه را نیز دربر میگیرد، باردیگر پرمهامت ضدکارگری این جناحها برغم همه و هرگونه تفاوت و اختلافی که دارند، مهر تأیید زد.

طرح معافیت کارگاههای کوچک از شمول قانون کار، از همان آغاز یعنی از همان وقتیکه در اسفند ۷۷ به پیشنهاد اتاق بازرگانی و امضای نزدیک به ۳۰ نماینده به مجلس ارائه شده بود و بعد یک فوریت آن در ۲۹ فروردین ۷۸ از تصویب مجلس گذشت، اعتراضات و مخالفتها شدید و گسترده ای را در میان کارگران برانگیخت و بر نارضایتی آنان دامن زد. ارائه کنندگان این طرح که از هر دو جناح اصلی رژیم در میان آنها دیده می شد، تحت این عنوان که جاری بودن قانون کار در مورد کارگاه های کوچک، کارفرمایان و صاحبان این کارگاهها را ملزم به پرداخت حق بیمه و رعایت پاره ای مسائل دیگر نسبت به شرایط کار می نماید و از همیرو آنها هم از استخدام کارگر خودداری میکنند، شمول قانون کار در این مورد را امری دست و پا گیر دانسته و به بهانه ایجاد اشتغال و استخدام کارگران و کاهش بیکاری، خواهان معافیت این کارگاه ها از شمول قانون کار و تامین اجتماعی شدند. آنان برای خدمت گذاری هر چه بیشتر به کارفرمایان و صاحبان این کارگاهها، بدون هیچ شرم و حیائی علناً خواستار محروم ساختن بخش زیادی از کارگران از حقوق و مزایای اجتماعی شان بودند. حقوق و مزایای حداقلی که در قانون کار به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عملاً نقض میشد و از یک حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که در سالهای گذشته نیز این نوع کارگاهها عملاً از شمول قانون کار بیرون بوده است و هیچگونه کنترل و نظارتی نیز بر آنها اعمال نمیشده است. آنان در جریان جدال های لفظی خود با کسانی که با این طرح ظاهراً مخالفت میکردند، صراحتاً چنین عنوان میکردند وقتی که در حال حاضر هم این قانون در اکثر موارد رعایت نمی شود، پس چه اصراری به حفظ آن در روی کاغذ است؟ آنان مخالفین این طرح را حتی به مخفی کردن حقایق از چشم کارگران نیز متهم میکردند. از سوی دیگر دسته مقابل نیز با تأیید ضمنی اینکه چنین کارگاه هائی عملاً از شمول قانون کار خارج بوده اند و علاوه بر آن با ذکر این موضوع که در خود قانون کار (۱) هم برای اخراج کردن کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار پیش بینی و مصلحت اندیشی شده است، تصویب طرح جدیدی را زائد می دیدند و از اصرار طراحان این طرح به تصویب آن اظهار تعجب می کردند. معهذاً آنان صرف نظر از اهداف و سودهایی که در سر داشتند، اما بر این حقیقت انکار ناپذیر انگشت می گذاشتند که این کارگاهها تاکنون هم عملاً از شمول قانون کار خارج بوده اند. همه کارگرانی که در اینگونه کارگاه ها مشغول بکارند میدانند که تا پیش از تصویب کلیات

ناطق نوری : وقتی سیل بیاید همه را خواهد برد

رئیس مجلس ارتجاع اسلامی دریک سخنرانی که به مناسبت ۷ تیر سالروز مرگ مرتجعین، ایراد نمود، نگرانی شدید خود را از اوج گیری بحران سیاسی موجود و تشدید اختلافات جناحهای هیئت حاکمه ابراز داشت و هشدار داد که اگر سیل بنیان کن جنبش توده ای بحرکت درآید، حکومت و همه جناحهای آن را نابود خواهد کرد. وی گفت: "وقتی سیل بیاید، همه را خواهد برد. بحث این گروه و آن گروه نیست. امروز چپ و راست معنا ندارد. معادلات تغییر کرده و باید بگوئیم نیروهای خوبی و غیرخوبی".

این نخستین بار است که یکی از سران جناح مسلط هیئت حاکمه، به وخامت وضعیت رژیم اشاره می کند و این چنین آشکارا هراس خود را از طغیان توده های مردم ابراز میدارد. تاکنون به رغم هشدارهای جناح خاتمی که از مدتی پیش شیپور خطر را به صدا درآورده است، این جناح براین اعتقاد بود که هیچ اتفاق خاصی نیافتاده، اوضاع عادی است و رژیم با هیچ بحران جدی روبرو نمیشود. اما حالا رئیس مجلس ارتجاع که از سر کردگان جناح مسلط هیئت حاکمه است، او هم خطر را احساس کرده و هراس خود را از وقوع یک انقلاب علیه رژیم جمهوری اسلامی آشکارا بر زبان می آورد. با این همه، راه حلی که او برای مقابله با بحران و جنبش توده های ارائه می دهد، یکپارچگی حکومت در برابر این جنبش و سرکوب آن است. او میگوید وقتی که سیل جنبش توده ای راه افتد، علیه تمامیت حکومت است و چپ و راست نمی شناسد. لذا با توجه به وخامت اوضاع یا به گفته خودی تغییر معادلات "امروز چپ و راست معنا ندارد" و "نیروهای خوبی" علیه نیروهای "غیر خوبی" باید متحد گردند.

ناطق نوری راه حل مقابله با بحران سیاسی موجود ورشد و اعتلا مبارزه مردم را وحدت "خوبی"ها میداند، اما نکته ای که او نمیتواند درک کند این است که بحران سیاسی، نتیجه اختلافات جناحهای حکومت نیست بلکه بالعکس تشدید اختلافات و ایجاد شکاف در درون دستگاه دولتی، خود معلول این بحران سیاسی است. دقیقاً بخاطر همین بحران و شکست سیاستهای گذشته رژیم است که جناح طرفداران خاتمی با سیاستهای جدیدی به مقابله با بحران سیاسی برخاسته و در موارد متعدداً جناح دیگر اختلاف پیدا کرده است. حالا اوضاع به گونه ای است که عجالتاًل تضادهای اختلافات درونی رژیم بر محور سیاستهای گذشته ممکن نیست و تژهای امثال ناطق نوری نیز با شکست روبرو خواهد شد.

با این همه برغم این که آرزوهای مرتجعینی امثال

ارتجاع در حین پیشروی ، در برابر کارگران عقب نشست !

تصویب کرد و اجرای این طرح به مدت شش ماه مسکوت ماند!

روحیه بالنسبه بالای اعتراضی در میان کارگران برای آمدن به خیابانها آنها بر متن اوضاع متلاطم جامعه ، به مجلس ارتجاع چنین دیکته کرد تا عجالتاً" طرح مصوب خود را مسکوت بگذارد . طراحان و تصویب کنندگان این طرح هرچند از روی "مصلحت" ، موقتاً" اجرای این طرح را مسکوت گذاشته اند، اما این اولاً" بمعنای خاتمه تعرض علیه کارگران و ثانیاً" بمعنای پرهیز از پیاده کردن و عملی ساختن بی جار و جنجال آن نیست. مسکوت گذاشتن این طرح عقب نشینی طراحان آن در حین پیشروی است . موضوع اساسی آن است

زیر نویس:

۱ _ ماده ۱۹۱ قانون کار می گوید "کارگاه های کوچک کمتر از ده نفر را میتوان برحسب مصلحت موقتاً" از شمول بعضی مقررات این قانون مستثنی نمود."



تصویب کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات گام دیگری در تشدید اختناق

مجلس ارتجاع اسلامی، در جلسه امروز ۱۶ تیر، طرح اصلاح قانون مطبوعات را تصویب کرد. با تصویب کلیات این طرح، رژیم جمهوری اسلامی گام دیگری در تشدید اختناق و سرکوب هرچه بیشتر مطبوعات برداشت. در چند ماه گذشته دستگاه قضائی و نیز دستگاه سانسور موسوم به ارشاد اسلامی تعدادی از مطبوعات را تعطیل کردند. چند روز پیش وزارت ارشاد اسلامی پروانه انتشار نشریه «هویت خورشید» را لغو نمود و امروز خبر رسید که دادگاه ویژه روحانیت دستور داده است، انتشار روزنامه «سلام» تا اطلاع ثانوی متوقف گردد. در همین حال در طی همین یکی، دومه گذشته تعداد زیادی از دست اندرکاران مطبوعات به دادگاه فراخوانده شدند. برخی حتی چندروز بازداشت شدند و به قید ضمانت آزاد شدند. اما گویا این اقدامات سرکوبگرانه کافی نبوده ، لذا گروهی از نمایندگان مجلس، طرح اصلاح قانون مطبوعات را ارائه دادند. برطبق این اصلاحات دست دستگاه قضائی بویژه دادگاه ضد انقلاب اسلامی در سرکوب مطبوعات و روزنامه نگاران بازترشد. خبرنگاران و نویسندگان با تضيیقات بیشتری روبرو میشوند. جواز انتشار نشریه صرفاً به کسانی داده خواهد شد که علاوه بر طرفداری از حکومت اسلامی از تمکن مالی لازم برخوردار باشند. در این طرح با غلظت بیشتری نسبت به گذشته تاکید شده است که مخالفین حکومت از حق داشتن هرگونه نشریه، نوشتن مقالات در نشریات علمی، و یا عهده دار شدن سمتی در مطبوعات محروم اند. اما این فقط شامل مخالفین نمی شود، تمام محکومان دادگاههای ضد انقلاب اسلامی و نیز طرفداران نیمه قانونی حکومت اسلامی راهم شامل می شود. با تصویب این طرح گفته می شود قرار است به هنگام بحث در مورد جزئیات آن ، مواد تشدید کننده ای نیز به آن افزوده شود، حتی نشریات طرفدار خاتمی هم با محدودیت هائی روبرو خواهند بود. چرا که در این طرح بخش مهمی از اختیارات وزارت ارشاد از آن سلب و بد اختیار ارگانها و نهادهای دیگر نظیر دستگاه قضائی و سازمان تبلیغات اسلامی قرار خواهد گرفت. جناح رقیب خاتمی در هیئت نظارت بر مطبوعات و به اصطلاح هیئت منصفه مطبوعات از اکثریت برخوردار خواهد شد.

با تصویب این طرح نقش فریبکارانه محمد خاتمی و وزیر ارشاد او که می خواستند با دادن اجازه انتشار چند نشریه به طرفداران خود، ادای آزادیخواهی را در بیاورند، بیشتر برملا می گردد. در بحث امروز مجلس، مهاجرانی به صراحت گفت : «هیچکس با اصلاحیه قانون نمی تواند مخالف باشد. ما با اصلاح قانون مطبوعات مخالف نیستیم، اما معتقدیم که در این خصوص نوعی شتابزدگی صورت گرفت.»

روشن است که این دو جناح برغم اختلافاتی که با یکدیگر دارند، دشمن مردم و آزادی های آنها هستند. آنها هر جا که پای مردم در میان آید، متحداً علیه مردم اقدام می کنند. اگر احياناً نشریه ای پیدا شد که بخواهد اندکی فراتر از انتقادات سطحی جناح ها حرف بزند، باهم سرکوبش می کنند. اجازه گردهم آئی، راهپیمائی و تحصن به گروههای دانشجویی که مخالف جدی حکومت اسلامی هم نیستند، داده نمی شود و گروهی از آنها را دستگیر و روانه زندان می کنند. این اقدامات رژیم جمهوری اسلامی در تشدید سرکوب و اختناق هدف دیگری جز مقابله با تمایلات آزادیخواهانه مردم و تلاش برای مهار آنها را ندارد. اما این اقدام هرچه بیشتر به توده های مردم ایران ثابت می کند که باید حکومت جمهوری اسلامی را با تمام جناح هایش سرنگون کرد.

سرتنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۸/۴/۲۱

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

ستون مباحثات

- کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کار به ابراز نظرات مدافعین سوسیالیسم و حکومت شورانی اختصاص یابد.
- مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب می گردد.
- هر مقاله ای که برای درج در این ستون ارسال می گردد حداکثر می تواند حدود ۲۰۰۰ کلمه با دو صفحه نشریه کار باشد.

جمهوری و حکایت مردگان!

بعنوان رئیس جمهور چرا که نه؟ چون معتقدم سلطنت بایستی برای مردم مهم باشد اما نمیتواند مهمتر از مردم باشد... ممکن است مردم ایران بیایند بگویند که نه، نظام پادشاهی در ایران سیر طبیعی خودش را طی کرده اما از این بعد ما می خواهیم با یک نظام جمهوری پیش بریم، ما نمی توانیم در آن زمان که مردم نمی خوان، رویش اصرار کنیم... "و بعد هم ایشان اضافه می کنند که "در هر حال من مخالف سرسخت خشونت هستم" (۲)!

رضا پهلوی این موضوع را بهتر از بسیاری از به اصطلاح چپها و دمکراتها میفهمد که اساس مسئله، محتوی و مضمون نظام است و با انگشت نهادن بر همین مسئله می گوید "اگر محتوی نظام شکل دمکراتیک داشته باشد، در اصل واقعا، من معتقدم که بین جمهوری و سلطنت فرقی نیست" و در همین رابطه کسانی را که بر نظام پادشاهی اصرار دارند، "کاتولیک تراز پاپ" (۳) هم میخواند.

همانطور که ما قبلا" هم به این موضوع اشاره کرده ایم و در اینجا هم با وضوح شگرفی دیده میشود، صرف نظر از یک رشته عوامفریبی های رضا پهلوی، حتی "وارث تاج و تخت ایران" هم اصراری بر سلطنت و احیا نظام سلطنتی ندارد. وقتی که نظام پادشاهی "سیر طبیعی خودش را طی کرده باشد"، بخوان توسط توده مردم به زیر کشیده شده باشد، و مردم دیگر خواهان سلطنت نباشند، نوه رضاخان هم به یک جمهوری خالص و خشک و خالی رضایت می دهد و این استعداد را دارد تا خودش را با "نظام جمهوری" وفق بدهد! البته که وارث تاج و تخت پادشاهی در نرمش و انعطافش نسبت به شکل سیاسی سلطه بورژوازی سلطنت طلب، همچون نمونه های تاریخی آن، قبل از هر چیز منافع طبقاتی کل طبقه سرمایه دار و تامین سلطه اقتصادی این طبقه را در نظر میگیرد و این حقیقت را نیز یکبار دیگر به اثبات میرساند که برای این طبقه، سلطه اقتصادی به مفهوم همه چیز است و شکل سیاسی سلطه، از اهمیت کمتری برخوردار است. وارث سلطنت پهلوی، در عین حال انقدر حواسش جمع هست که به سبک و سیاق "جمهوری" طلبان، تحت عنوان مخالفت با "خشونت" بر خصومت عمیق خود با انقلاب و قهر انقلابی و اصولا با هرگونه اقدامی که بخواهد بنیان های نظام حاکم را زیر ضرب ببرد و یا نحوه اداره امور کشور را از انحصار نخبگان خارج سازد، تصریح نماید. و در واقع امر هم از بیم همین انقلاب و خارج شدن اوضاع از دست طبقه مسلط است که امروز سلطنت طلبان و در راس آنها رضا پهلوی، نه فقط بر سلطنت بعنوان شکل سیاسی سلطه اصراری ندارند و به "نظام جمهوری" هم رضایت میدهند، بلکه حتی پا را از این هم فراتر نهاده و ساز "دیالوگ با خاتمی" را کوک کرده اند تا شاید از "لابدای صحبتها و تماسها، دریچه ای به سوی راه حلی پیدا شود" (۴)! و یعنی که در شرایط لزوم و حساس تر، جمهوری اسلامی را هم ولو با جرح و تعدیل هایی می پذیرند.

بنابراین برخلاف دعاوی امضای کنندگان "قرارداد"، جمهوری نه فقط مرزبندی با سلطنت و بورژوازی سلطنت طلب نیست، بلکه نقطه مشترک لایه های مختلف بورژوازی و برداشتن همه و هرگونه خط و مرزی با کل طبقه بورژوازی است.

تاکید بر شکل به قصد قربانی کردن مضمون است!

از اینها گذشته، نمیتوان از حکومت آترناتیو و نظام جایگزین صحبت کرد، اما مضمون این حکومت را به دست فراموشی سپرد. شگفت آور است نیروهای که خود را چپ و انقلابی میدانند و دعاوی سوسیالیستی و کمونیستی دارند، از بیان صریح مضمون جمهوری خود طفره می روند و سعی در لاپوشانی آن دارند و در عین حال همان شکلی را برای حکومت آینده پیشنهاد میکنند و دنبال استقرارش هستند که مضمونش تضمین کننده منافع تمام طبقه بورژوازی است و حتی نوه رضا خان را هم راضی میکند!

البته سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، زمانی که هنوز تا به این درجه از خط مشی صحیح فاصله نگرفته بود، صرفا" به شکل حکومتی اکتفا نمیکرد و حتی کسانی را که چنین میکردند از دیدگاه خود مورد انتقاد هم قرار میداد. مثلا" وقتیکه سازمان اکثریت، حزب دمکراتیک مردم ایران و سازمان جمهوری خواهان ملی ایران، "منشور همکاری" خود را که "چارچوبی برای همکاری سایر سازمان ها، احزاب و شخصیت های جمهوریخواه" به حساب می آمد، انتشار دادند، تحریریه وقت اتحاد کار به این "منشور" و مفاد آن برخورد انتقادی کرد و یکی از موارد انتقاد اتحاد فدائیان خلق در آن زمان که البته مانع امضای "منشور همکاری" می شد، همین موضوع جمهوری، اکتفا به جمهوری و شکل سیاسی حکومت و فراموشی مضمون این جمهوری بود. این رفتار در آن موقع می نوشتند:

همانطور که طیفها و گرایشهای گوناگونی مدافع نظام پادشاهی اند و سلطنت طلب، در میان "جمهوری" طلبان و یا "جمهوری" خواهان نیز طیف های گوناگونی دیده می شود. از بورژوا _ لیبرال ها و سوسیال فرمیسیت های سابق که مدت ها است "مردم سالاری" و "انتخابات آزاد" ورد زبان آنها شده است و پایه کار خود را بر تحول آرام و تدریجی درونی رژیم و معجزات خاتمی بنا نهاده اند و خلاصه چشم به استحاله رژیم دوخته اند، تا پاره های جریانات چپ و دمکرات که هر چند هنوز قصبه سرنگونی رژیم را داستانی بکلی فراموش شده نمی دانند و این موضوع را بالصراحه از دستور کار خویش خارج نکرده اند، اما تا حدود خیلی زیادی اسیر همین تفکرات، نقشه ها و معجزات هستند، همگی "جمهوری" طلب اند!

دسته اول مدافعان جمهوری، صاف و صریح گفته اند و نشان داده اند که نه اهل انقلاب اند و نه اهل سرنگونی رژیم، بلکه خواهان یک رشته جرح و تعدیل هایی در نظام سیاسی حاکم در راستای افزایش ثقل "جمهوریت" در برابر "ولایت" و یا در نهایت خواهان یک نظام پارلمنتاریستی بورژوازی اند که در منتهی الیه آقو دید آنها، یک نظام جمهوری قرار گرفته است. این دسته از مدافعان جمهوری که تحت عنوان پرهیز از خشونت و مخالفت با خون ریزی و هرج و مرج، از قهر ارتجاعی موجود و خشونت و خون ریزی روزمره دفاع میکنند و حفظ ارگان های سرکوب موجود و ساختار بوروکراتیک دستگاه دولتی را برای تامین منافع بورژوازی امری حیاتی و ضروری میدانند، نه فقط نمی خواهند موئی از سر نظام و مناسبات سرمایه داری کم شود، بلکه برای نجات و تحکیم پایه های آن، در جستجوی یک شکل حکومتی مناسب تر و امروزی تری هستند تا سلطه اقتصادی سرمایه، بخوبی بهتر، طولانی مدت تر و اطمینان بخش تری تامین و تضمین شود. و برای تامین بهتر اطمینان بخش تر سلطه اقتصادی سرمایه، کدام شکل حکومتی مناسب تر از جمهوری که تجارب تاریخی و منفعت اقتصادی هم این انتخاب را جلو چشم آنها و طبقه آنها گذاشته است؟ اما دسته دوم "جمهوری" طلبان که روی سخن ما اساسا" آنها هستند شامل نیروهای میشود که در عین آنکه هنوز از صراحت لهجه در این زمینه بدورند ولی در اساس از همان آترناتیو حکومتی دسته اول دفاع می کنند و بر شکل حکومت که جمهوری باشد، تاکید نموده اما در مورد مضمون این حکومت ظاهرا" سکوت اختیار می کنند! از جمله این نیروها سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران است که این هدف را منجمد از طریق امضای پلاتفرمی که راه کارگر و حزب دمکرات کردستان ایران، تحت عنوان "قرار داد اتحاد عمل پایدار" (از این بعد بعنوان "قرارداد" از آن یاد خواهیم کرد) تعقیب میکند و در پیش گرفتن سیاست دفاع از جمهوری و امتزاج با بورژوازی را، تحت عنوان مرز بندی در شکل سیاسی حکومت با سلطنت نیز توجیه میکند. این دوستان در توضیحات خود پیرامون جمهوری، که در بند دوم "قرارداد" خود آورده اند، چنین قید کرده اند که از طریق تاکید بر "جمهوری" بعنوان "نظام جایگزین" (۱) در شکل، با سلطنت مرزبندی کرده اند!

ما در شماره ۳۲۴ نشریه کار فروردین ۷۸ و در همین ستون مباحثات، این ادعای تحریریه اتحاد کار را مورد نقد و بررسی قرار داده هم از جنبه نظری و هم در زمینه عملی، نشان دادیم که "جمهوری" بخوبی خود مرز غیر قابل نفوذی برای سلطنت طلب ها نیست. بورژوازی سلطنت طلب نیز قبل از هر چیز به منافع و سلطه اقتصادی خود می اندیشد و اگر جمهوری، این منافع را تضمین کند، به آسانی خود را با آن وفق میدهد. ما حتی در آن مقاله اشاره ای هم به سخنان برخی تیمسارهای آریامهری و طرفداران نظام پادشاهی کردیم که دیگر اصرار چندانی بر احیای نظام سلطنتی ندارند و بعضا" این نظام را برای شرایط امروز جامعه ایران حتی نامناسب هم می دانند، معزها برغم این مسئله، از آنجا که در همین فاصله، علاوه بر این تیمسارها و بسیاری دیگر از سلطنت طلب ها، شخص آقای رضا پهلوی "وارث تاج و تخت ایران" نیز سخنان بسیار صریحی در این زمینه بر زبان آورده اند که صحت تحلیل ما از این موضوع را تأیید میکند، و باز از آنجا که نقل بریده هایی از این سخنان برای کسانی که با تاکید بر جمهوری، به خیال خود با سلطنت طلبان مرزبندی کرده اند، نمیتواند هم آموزنده و هم به یک اعتبار افشایی کننده باشد، اشاره مختصر دوباره ای به این موضوع میکنیم و از آن میگذریم. آقای رضا پهلوی در مصاحبه خود با یکی از رادیوهای خارجی در مورد احیای سلطنت و یا احتمال استقرار یک جمهوری در ایران و جایگاه خود در این میان بعنوان وارث تاج و تخت شاهنشاهی میگوید:

"هدف وارث تاج و تخت ایران، سلطنت نیست در ایران، برقراری آزادی است... مردم تصمیم میگیرند که رضا پهلوی آیا پادشاه آینده کشور خواهد شد، یا یک رئیس جمهور انتخاب بشود و ایشان بره یک شهروند ساده آن مملکت باشد... شاید روزی هم بیایند بگویند رضا پهلوی بعنوان پادشاه نه، اما

می دهد که با " انتخابات آزادانه اکثریت مردم ایران " استقرار می یابد و مردم هم " مسیّرآینده جامعه " را " آزادانه " _ البته در پارلمان بورژوائی و مجلس موسسان _ انتخاب " می کنند! (۶)

سؤال اساسی این است که اگر کارگران ایران در انتظار استحاله رژیم نئوفاشیست که نمی نشینند و بر سینه پارلمان بورژوائی هم دست رد بزنند و تجارب تاریخی هم همین انتخاب را جلو پای آنها نهاده است و با قیام و درسنگرهای خیابانی، رژیم کنونی را به زیر بکشند و ابتکار عمل را خود بدست گیرند و در همان واژه همان سنگرها و نه در پارلمان، جمهوری خود را اعلام کنند، موضع و پاسخ دوستان جمهوریخواه ما در برابر این جمهوری که مضمونا " دیگران جمهوری مورد نظر ایشان و دوستانشان نیست، چه خواهد بود و در برابر آن چه خواهند کرد؟ سلطنت طلبان جمهوری خواه شده، بورژوا لیبرالها و سایر جمهوری خواهان از این دست، همانطور که تجارب تاریخی هم نشان داده است، تردیدی در ایستادن در برابر این جمهوری و سرکوبان بخود راه نخواهند داد. اما آیا دوستان ما در سافخا نیز بصف جمهوریخواهان بورژوا که از همین امروز هم از طریق مواضعشان، کشتش خود را به الحاق به این صف نشان داده اند، نخواهند پیوست؟ که تحت عنوان اینکه جمهوری، تنها حق اکثریت مردم است و باید منتظر انتخابات آزاد و آرا مردم شد، حق کارگران را در اعلام جمهوری خود، انکار نموده و در برابر آن ایستاده اند؟

تجارب و نمونه های تاریخی در این مورد کم نیست. می دانیم که در انقلاب فوریه ۱۸۴۸ فرانسه، یعنی وقتی که تاج و تخت سلطنت بدست قیام کنندگان سرنگون شد و پرولتاریا برپاریس مسلط شد، حکومت موقتی که بر سنگرهای فوریه پا گرفته بود و اکثریت آن در دست نمایندگان بورژوائی (۷) بود، به فوریت می خواست خودش را از شر کارگران مسلح و ابتکار عمل آنها که خواهان " جمهوری اجتماعی " بودند خلاص کند و نخستین اقدامش انکار همین حق کارگران بود، آنهم تحت عنوان دفاع از حق اکثریت مردم و آرا اکثریت و اینکه پرولتاریا نباید پیروزی اش را به غضب آلوده کند! مارکس در این مورد می نویسد:

" اگر پاریس به دلیل مرکزیت سیاسی اش بر فرانسه مسلط بود، کارگران نیز در لحظات پر آشوب انقلاب بر پاریس مسلط بودند. اولین ابزار وجود حکومت موقت این بود که کوشش نماید تا بوسیله فراخوانی از طرف پاریس سرمست به فرانسه هوشیار، خود را از قید این نفوذ سهمگین رها سازد. لامارتین (۸) حق رزمندگان سنگرها را به اعلام جمهوری، بعنوان اینکه، این مسئله تنها حق اکثریت مردم فرانسه است و باید منتظر نتیجه آرا شد و پرولتاریای پاریس نباید پیروزی اش را به غضب آلوده نماید، منکر شد. بورژوائی به پرولتاریا تنها اجازه یکنوع غضب میدهد: غضب مبارزه (۹) تجارب تاریخی بر این حقیقت صحه می نهند که تمامی مدافعین نظم بورژوائی از جمله جمهوریخواهان، ولو آنکه با شکل سیاسی حکومت نیز مخالفت هائی دارند، اما اساسا در پی منافع خود و جمهوری خود یعنی جمهوری پارلمانی اند. این جمهوری و مدافعان آن به نیروی مبارزه کارگری و اظهار وجود طبقه کارگر تا به آنجا نیاز دارند و آن را تحمل می کنند، که این نیرو را دستمایه براندازی رژیم می که با آن سر ناسازگاری دارند بنمایند و منافع خویش را تحکیم کنند. جمهوری طلبان بورژوا، نه فقط حق قیام کنندگان به برپائی جمهوری خود را از ریشه انکار می کنند و طبق معمول به بهانه جلوگیری از زور و خشونت با آن به مخالفت می پردازند، بلکه علیه آن به سرکوب خونین نیز متوسل می شوند. همانطور که فرضا " در جمهوری فوریه، در فرانسه اتفاق افتاد. جمهوری خواهان خالص که در صفوف آنها به هردلیلی اقلیتی از خرده بورژوائی و یا پرولتاریا هم وجود داشت، اما در هر حال فراکسیون وقشهرای مختلف بورژوائی را نمایندگی میکردند، در اولین فرصت خود را از شر همراهان خویش خلاص کردند و بویژه در برابر پرولتاریا که به خود اجازه داده بود به نظم بورژوائی دست درازی کند، به هارترین و خشن ترین سرکوب ها نیز روی آوردند. (۱۰) هنوز ۵ ماه هم از فوریه نگذشته بود، که ژنرال کاونیاک، یکی از سران جمهوری خواه که در همین جمهوری خالص به وزارت جنگ رسیده بود، از طرف مجلس موسسان (این محبوب دوستان ما!) ماموریت یافت تا قیام کارگران را سرکوب کند و او نیز که رئیس قوه مجریه هم بود، قیام ژوئن کارگران را با نهایت قساوت و سفاکی بخون کشید! سلطنت سرنگون شده، شکل حکومت تغییر کرده و جمهوری آمده بود، جمهوری اما چیزی جز دیکتاتوری خشن بورژوائی علیه کارگران نبود. و چنین بود که زادگاه جمهوری، گورستان پرولتاریا شد! طبقه کارگر ایران اما نمیخواهد گورستان خود را، زادگاه جمهوری کند. در روی کار آمدن جمهوری اسلامی، یکبار این عمل اتفاق افتاده است. بورژوائی، از کیسه کارگران زیاد هزینه کرده است. طبقه کارگر نمی خواهد و نباید هنوز هم پرداخت کننده این هزینه ها باشد. کارگران ایران می خواهند و می باید، جمهوری خود را برپا کنند که در آن امکان استفاده از همه و هرگونه ابزاری که سرمایه برای تبدیل جمهوری به گورستان پرولتاریا از آن سود می جوید، سلب شود. بنابراین جمهوری داریم تا جمهوری!

الف - جواد زاده
حرداد ۷۸

" از نظر ما، خواست جمهوری و دفاع از آزادیها، بطور کلی برای همکاری کافی نیست. مسئله جمهوری را انقلاب بهمین برای همیشه حل کرده است. نفی رژیم سلطنتی مهمترین دستاورد این انقلاب بوده است. اما آنچه که بنام جمهوری برقرار شد، نه ادامه ی آن انقلاب، بلکه درست در نقطه مقابل اهداف آن در رهائی از حکومت خودکامه سلطنتی و احیای سنتهای دیکتاتوری و استبدادی این بار در پوشش مذهب بود. بنا بر این جمهوری خواه بودن خود بخود وجه تشخیص نیست. رژیم جمهوری اسلامی هم مدعی جمهوری است. محتوی و مضمون این جمهوری است که حائز اهمیت و تعیین کننده است" (۵)

بنابراین در بحث نظام جایگزین و حکومت آلترناتیو، شکل نه، مضمون این حکومت است که اهمیت اساسی و تعیین کننده دارد. ۲۰ سال قبل که توده های کارگر و زحمتکش سرگرم انهدام نظام سلطنتی بودند، طرح شعار جمهوری، در آن لحظه تاریخی شاید شعار بی موقعی نمی بود و معنی میداشت، امروز اما که همین مردم مژه جمهوری ولو از نوع اسلامی اش را چشیده و تا عمق جان آن را لمس کرده اند، این مقوله، مقوله کهنه شده و مرده ای بیش نیست و فقط می تواند گذشته ها را نمایندگی کند و نه آینده را. این که چرا سافخا امروز حتی از حرفهای دوسال قبل خود هم کوتاه میاید و صرفا " به شکل حکومت جایگزین یعنی جمهوری، اکتفا میکند و در واقع امر دست کم از این لحاظ به مواضع "مشوره همکاری" اکثریت، جمهوریخواهان ملی و حزب دموکراتیک ملی ایران رجعت می کند، موضوعی است که فقط با چرخش ها و راست رویهای این سازمان در چند سال اخیر بویژه بعد از روی کار آمدن خاتمی قابل توضیح است که در اینجا مورد بحث ما و مجال پرداختن به آن نیست. بحث ما این است که تغییر شکل این رژیم و تبدیل جمهوری اسلامی به جمهوری، نه به کار کارگران می آید و نه تامین کننده منافع سایر اقشار زحمتکش است بنابراین تغییر صرفا " شکلی، خواست آنان نیست و فقط می تواند خواست بورژواها و محافظان نظم ضد کارگری موجود باشد. کارگران که یکبار تغییر شکل رژیم از سلطنت به جمهوری اسلامی را تجربه کرده اند و ناظر سفت تر شدن زنجیرهای اسارت بردست و پای خود بوده اند، دیگر بار نمی خواهند این تجربه را تکرار کنند. درد کارگران تغییر شکل نظام حاکم بر ایران و حفظ مضمون آن نیست، چیزی که رضا پهلوی همان را می پذیرد. طبقه کارگر ایران به تجربه دریافته است که بدون ایجاد یک تحول بنیادی که ساختار سیاسی حکومتی را از ریشه دگرگون کند و کارگران را بر سر نوشت خود حاکم گرداند، هیچ مضلی از بی شمار مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران و سایر اقشار زحمتکش حل نخواهد شد. در حالی که کارگران می خواهند از شر آقابالاسر خلاص و خود بر سر نوشت خویش حاکم شوند و در پی ایجاد نظامی هستند که هر چه فوری ترو هر چه کاملتر، امکان گسستن زنجیرهای اسارتی را که بورژوائی بردست و پای آنان پیچانده است فراهم گردد، عده ای که گاه با نام کارگر هم صحبت می کنند و ادعای دفاع از حقوق و منافع کارگر هم دارند همه تلاششان این است که مسئله را در یک تغییر شکل و تعویض القاب و البسه جمهوری اسلامی با القاب و البسه جمهوری خلاصه کنند تا سر نوشت کارگران و اداره امور جامعه همچنان در دست بورژواها و طبقات ممتاز جامعه باقی بماند. این در حالیست که مقدم ترین هدف نیروهای کمونیستی و مدافعین طبقه کارگر در جریان تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی، تعیین تکلیف با مضمون این حکومت است که بایستی خودش را در نوع جدید حکومت جایگزین متجلی سازد.

دوستان ما در "قرارداد" خود می نویسند می خواهند جمهوری اسلامی را سرنگون و بجای آن جمهوری را مستقر سازند و توضیح هم می دهند که مقصود فقط تاکید بر تغییر شکل حکومت است. حال دیگر در این جمهوری تکلیف ارگانهای بوروکراتیک موجود، ارتش منظم، سپاه پاسداران، زندانها و دستگاه قضائی و امثال آن چه می شود؟ بر سر قدرت سیاسی و سلطه بورژوائی چه می آید؟ طبقه کارگر در کجای این جمهوری ایستاده است و امور کشور چگونه اداره میشود؟ این ها سئوالاتی است که امضا کنندگان "قرارداد" و توضیح دهندگان مفاد آن، خود را درگیر آن نمی کنند و سعی دارند از پاسخ به آن روی برتابند. آنان با محدودیت دید عیبی خود را سرگرم شکل گزائی میکنند و صرفا " در مدار شکل حکومتی می چرخند، تا مضمون بورژوائی نظام پیشنهائی خود را مسکوت بگذارند. البته هر کسی با مواضع امضا کنندگان "قرارداد" آشنائی اندکی هم داشته باشد، این موضوع را هم خوب میداند که در جمهوری مورد نظر ایشان یعنی جمهوری پارلمانی که انواع بورژواهای ریز و درشت هم در صدد ایجاد آن هستند، ارگانهای بوروکراتیک نظامی موجود اساسا " دست نخورده باقی میمانند، مقامات دولتی میان عالی رتبان قدیم و جدید تقسیم می شود. سر نوشت کارگران در مجلس بورژواها رقم میخورد، قدرت سیاسی همچنان در دست طبقات دارا محفوظ میمانند، سلطه بورژوائی ابقا میشود و در یک کلام نظم موجود پابرجا و زنجیرهای اسارت و بردگی بردست و پای کارگران باقی میماند!

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، بجای پرداختن صریح و بی ابهام به مواردی که از جمله در سئوالات فوق هم انعکاس یافته است، که البته در آن صورت اعترافی است به آنچه ما فوقا " بدان اشاره کردیم، دائما " از انتخابات آزادانه و آرا مردم دم میزند و به کارگران وعده نظام جمهوری

اخباری از ایران

قبل کارکارگران همچنان بخورند و بچرند، شرایط موجود را حفظ کنند و به طفیلی گری خویش ادامه دهند!

به راستی مذهب و روحانیت، نقش خود را در دفاع از طبقات دارا و مناسبات استثماراری هیچ گاه تا بدین حد آشکار و عیان و در این ابعاد، در معرض دید کارگران قرار ندهاده بود.

پنج کارگر در اثر انفجار

کپسول اکسیژن کشته وزخمی شدند در یک کارگاه صنایع فلزی واقع در خیابان شاه آباد تهران، زمانی که کارگران مشغول به کار بودند، کپسول اکسیژن منفجر شد که در اثر آن یک کارگر جوشکار بنام غلامرضا محمدی که ۲۵ سال داشت، جان خود را از دست داد و چهار تن دیگر از کارگران این کارخانه نیز بشدت مجروح شدند.

کارگر ۲۸ ساله‌ای بنام یوسف که در محل جنت آباد و در داخل یک ساختمان نیمه تمام مشغول بکار بود، بر اثر ریزش دیوار، زیر خروارها خاک مدفون شد و جان خود را از دست داد.

یک کارگر مقنی افغانی که در عمق ۲۵ متری چاه واقع در اطراف میدان سپاه مشغول بکار بود، بر اثر ریزش دیوار چاه زیرخروارها خاک مدفون شد. تلاش دو کارگر دیگر برای نجات جان وی به نتیجه نرسید و این کارگر افغان بنام نجیب الله حاجی لاهوری که فقط ۲۳ سال داشت جان خود را از دست داد.

۲۷ درصد نرخ بیکاری در کرمانشاه

یکی از مسئولین سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه پیش بینی کرد که نرخ بیکاری استان در سال جاری به ۲۷ درصد میرسد. او گفت که در سال ۷۶ استان کرمانشاه با ۵۳/۲۱ درصد دومین استان کشور از لحاظ رشد بیکاری شناخته شد و استان لرستان با ۴۲/۲۴ درصد مقام اول بیکاری را داشته است. این در حالی است که روزنامه کار و کارگر هم مینویسد استان کرمانشا در سال یاد شده با ۲۴/۱ درصد نرخ رشد بیکاری مقام اول را داشته است!

۷۰ درصد کارگاههای بوشهر را کردند

مسئول جهاد سازندگی بوشهر اعلام کرد که ۷۰ درصد کارگاههای فرشبافی بوشهر راکد هستند. او گفت از ۵ هزار و ۴۹۹ کارگاه تولید فرش با اشتغال ۸ هزار و ۲۴۹ نفر در این استان، فقط ۳۰ درصد این کارگاهها با اشتغال ۲ هزار و ۴۷۵ نفر فعال و مابقی راکد است.

دو خبر کوتاه

سازمان تامین اجتماعی طی ابلاغ بخشنامه ای به شعبات این سازمان در سراسر کشور، اعلام کرد که مقرری بیمه بیکاری به کارگران قراردادی از اول سال ۷۸ پرداخت نشود.

همچنین بحث هائی نیز در مورد ادغام سازمان تامین اجتماعی و خدمات درمانی وجود دارد که این هردو موضوع مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفته است.

افزایش بهای نان

بهای کالاها و خدمات مورد نیاز مردم پی در پی افزایش می باید. در پی افزایش سرسام آور بهای کالاهای مختلف در سه ماه گذشته، و نیز افزایش

دستگیر نمودند که از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

تشکلات "خانه کارگر"، تشکلات کارفرمائی!

روزنامه کار و کارگر اعلام کرد که اخیراً "کانون عالی مدیران و کارفرمایان واحدهای تولیدی و صنعتی تشکیل شده است"! طبق توضیحات این روزنامه، هدف این کانون آن است که به "کلیه انجمنهای صنفی کارفرمائی انسجام ببخشد" این روزنامه همچنین توضیح داده است که "اعضای هیئت موسس کانون عالی مدیران، در عین حال مبادرت به تاسیس سازمان مدیران حزب اسلامی کارتشکلات خانه کارگر نموده‌اند" یکی از مدیران در خصوص این سازمان جدید التاسیس وابسته به تشکلات خانه کارگر میگوید "برداشت نادرستی از حزب اسلامی کار و خانه کارگر وجود دارد این است که برخی تصور می کنند که این حزب و تشکلات فقط حامی کارگران هستند و در جهت تامین منافع این قشر تلاش می کنند در حالی که سازمان مدیران حزب اسلامی کار که به تقاضای مسئولین حزب تشکیل شده، به پیشرفت تولید کارخانه، کاهش موانع ومشکلات تولید و شکوفائی صنعت می اندیشد به نوعی که سازمان مدیران حزب اسلامی کار، ارتباط مدیران و جامعه کارگری را انسجام خواهد بخشید تا هردو قشر در کنار یکدیگر بطور جدی برای اعتلا صنعت بکوشند!" به این ترتیب ماهیت ارتجاعی خانه کارگر و حزب اسلامی کارش از قبل هم روشن تر می شود. تشکلات خانه کارگر و حزب اسلامی کار آن، که پیش از این کوشیده است با ایجاد مانع بر سر راه مبارزه کارگری و انحراف این مبارزه، به کارفرمایان و سرمایه داران خدمت کند، اکنون پرده هارا تماماً کنار زده و با ایجاد "سازمان مدیران حزب اسلامی کار" و کوشش به انسجام انجمن های صنفی کارفرمائی، دفاع مستقیم تری از منافع سرمایه داران و کارفرمایان را وجهه همت خود قرار داده است.

ائمه جماعات و ابزار سرکوب فرهنگی در کارخانه ها

اولین گردهمائی ائمه جماعات کارخانجات تولیدی منطقه کرج با حضور طاهائی معاونت اداری و مالی وزارت کار و آخوند شهبوساری مدیر امور فرهنگی این وزارتخانه برگزار گردید. در این مراسم، روحانی مدیرکل کارکرج از نقش امامان جمعه در کارخانه ها و واقعه نماز بمنظور "مصون نمودن کارگران" تعریف و قدرانی کرد. او گفت در حال حاضر در بابل ۱۷۰ واحد تولیدی ستادهای اقامه نماز جمعه مشغول بکارند که در آینده نزدیک بطور چشم گیری افزایش خواهد یافت. آخوند شهبوساری نیز در سخنانی "راه کارهای کمک گرفتن از ائمه جماعات جهت افزایش بهره وری و ارتقا فرهنگ کار را" از رؤس برنامه این نوع نشست ها خواند و طاهائی معاون امور اداری و مالی وزارت کار گفت "درصد هستیم با پیگیری های جدی در واحدهای تولیدی بالای ۳۰ نفر شاهد برگزاری نماز جماعت باشیم"! ائمه جماعات، این انگلهای به تمام معنی، با همدستی سایر همردیفان خود در دستگاه حکومتی، از کارگران می خواهند همچنان کارکنند و بیشتر کارکنند تا آنان بتوانند از

اعتراض کارگران شرکت فرش

یکصد و پنجاه تن از کارگران شرکت فرش آریان اهر، با امضای طوماری نسبت به نحوه محاسبه عیدی و پاداش خود اعتراض نموده و خواستار پرداخت ما به التفاوت عیدی و پاداش سال ۷۸ شدند. قابل ذکر است که کارفرمای این شرکت، ۲۰ درصد از عیدی و پاداش کارگران را بعنوان مالیات کسر نموده و به آنان نپرداخته است و کارگران خواهان رسیدگی به این مسئله و پرداخت کامل عیدی و پاداش خود شدند.

اعتراض کارگران اخراجی

کارگران اخراجی ارومیه، با ارسال یک نامه اعتراضی به مطبوعات، خواهان پرداخت حق بیمه بیکاری شدند. کارگران معترض در نامه خود از جمله نوشته اند "ما کارگران اخراجی سال ۷۸ شهرستان ارومیه، از مسئولین دست اندرکار تقاضا داریم نسبت به پرداخت حق بیمه بیکاری ما اقدام نمایند"

اعتصاب کارگران شهرداری

دهها تن از کارگران شهرداری آبادان، در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق خویش، دست از کار کشیدند. کارگران اعتصابی، سپس با برپائی یک تجمع اعتراضی در برابر ساختمان فرمانداری این شهرستان، خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند و بعد از آنکه از سوی مسئولین قول مساعد و رسیدگی به کارگران داده شد، به تجمع خود پایان دادند.

اعتراض کارگران شرک صنعتی صاف

کارگران شرکت صنعتی صاف ساوه، با ارسال یک یادداشت اعتراضی به مطبوعات، خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. کارگران در نامه خود از جمله نوشته‌اند "در سال جدید که حدود سه ماه از آن میگذرد، هنوز حقوقی دریافت نکرده ایم." کارگران با ذکر این موضوع که عموماً "مستاجر هستند و باید کرایه خانه بپردازند ولی کارفرما این مسائل را در نظر نمیگیرد و هر ماهه جزو عده و وعید چیزی بانان ندهاده است، خواستار حقوقهای معوقه و رسیدگی به مشکلات خود شدند.

تظاهرات قهرآمیز زحمتکشان شهرک خاتون آباد پاکدشت

روز شنبه ۲۲ خرداد، اهالی زحمتکش ساکن شهرک خاتون آباد پاکدشت، دست به تظاهرات علیه رژیم و مقامات حکومتی زدند. نیروهای نظامی رژیم، مردم را مورد حمله و سرکوب قرار دادند. این اقدام سرکوبگرانه نیروهای دولتی خشم مردم را شعله ورتساخت. تظاهرات شکلی قهر آمیز بخود گرفت. مردم با نیروهای سرکوب درگیر شدند و تعدادی از مراکز دولتی از جمله شهرداری و چندین بانک را در هم کوبیدند. تظاهرات شهرک خاتون آباد در پی کشته شدن یک کودک ۶ ساله آغاز گردید که علت آن عدم وجود پل هوائی عابر پیاده و امکانات ایمنی در مسیر تصادف بود. تاکنون چندین حادثه از این نوع در همین نقطه رخ داده بود و مسئولین دولتی همیشه وعده ایجاد پل و دیگر امکانات ایمنی را داده بودند اما هیچگاه بدان عمل نکردند. اهالی زحمتکش ساکن شهرک خاتون آباد، مردمی کارگر و زحمتکش‌اند که از حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی در این شهرک بی بهره می باشند. آنها با این تظاهرات در حقیقت اعتراض خود را به نظم موجود ابراز داشتند. نیروهای نظامی و امنیتی رژیم تعداد زیادی از مردم این شهرک را

جنبش کارگری در سال ۷۷ (قسمت آخر)

ارسال نامه به مطبوعات، مسئولین و مراکز دولتی بود. بررسی ما نشان می دهد که بخش زیادی از تجمعات اعتراضی کارگری در سال گذشته و نیز بخش زیادی از نامه های اعتراضی، مربوط به همین بخش از کارگران، یعنی کارگرانی که در معرض اخراج قرار گرفته بودند و یا آن دسته از کارگرانی که اخراج و بیکاری آنها قطعی شده بود، می باشد. به این ترتیب که حدود ۱۹ مورد از مجموع ۵۲ حرکت اعتراضی کارگری در شکل برپائی تجمع اعتراضی (معادل ۲۵ درصد) و ۱۵ مورد از مجموع ۲۵ مورد نامه های اعتراضی (حدود ۴۳ درصد)، مربوط به همین بخش از کارگران ایران بوده است.

مطالباتی که این بخش از کارگران، چه در تجمعات و چه در نامه های اعتراضی خود مطرح کرده اند، همانطور که در جدول شماره (۲) هم انعکاس یافته است، اساساً "بازتاب دهنده وضعیت و موفقیت خاص این کارگران است. بررسی ما در این زمینه نشانگر آن است که سواي پرداخت دستمزد های معوقه که عمدتاً توسط کارگران در معرض اخراج و یا واحدهای تازه تعطیل شده، مطرح شده است، مطالبات کارگران اساساً شامل امنیت شغلی (۱۶ مورد) بازگشت به کار (۱۵ مورد) ادامه کاری واحد تولیدی (۱۱ مورد) لغو اخراج ها (اعتراض به اخراج ها) (۷ مورد) و حق بیمه بیکاری (۳ مورد) می شده است. مطالبات کارگران در تمامی این موارد به غیر از ۳ مورد حق بیمه بیکاری که می تواند نشانه قطع امید کارگران از ادامه کار در واحد قبلی باشد، ناظر بر این مسئله است که کارگران، اخراج و بیکاری خود را نپذیرفته اند و کماکان خواهان ادامه کار قبلی خود هستند.

در زمینه بیکاران و حرکت های اعتراضی آنان نیز باید گفت اگر چه در اینجا هم حرکات و اعتراضاتی صورت گرفته است، اما قابل قیاس با بخش پیشین نیست و بسیار معدود بوده است. با این وجود حرکت های اعتراضی بیکاران نیز نشان دهنده آن است که بیکاران هم برای گرفتن حق و حقوق خود کم کم دارند وارد میدان مبارزه می شوند. از مهم ترین حرکت های اعتراضی بیکاران میتوان جمع اعتراضی بیکاران دزفول در برابر اداره کار این شهر یاد نمود. بیکاران که خواهان کار و اشتغال شده بودند وقتی که پاسخ مساعدی نشنیدند، به برخی از تاسیسات اداره مذکور حمله برده و شیشه های در و پنجره آن را نیز شکستند. در اندیمشک، شوشتر و کاشان نیز حرکت های اعتراضی تقریباً "مشابهی صورت گرفت. در این حرکات اعتراضی، بیکاران خواستار کار و یا حق بیمه بیکاری شدند. معهداً حرکت های اعتراضی بیکاران تقریباً در همین محدوده خلاصه شده است، نه به این دلیل که بیکاران به وضعیت موجود اعتراضی ندارند که اتفاقاً "شدیدا" هم معترض اند، اما بسان انبار باروتی قابل انفجار، عجاتاً "خاموش اند!

یک جمع بندی کوتاه

طبقه کارگرایان در سال گذشته با یکی از دشوار ترین سالهای حیات خویش روبرو بود. تعرض همه جانبه سرمایه داران، کارگران ایران از همه سو و قبل از همه از ناحیه اقتصادی و تامین معاش، تحت فشارهای شدید و کمرشکنی قرار داد. بیکار سازهایی وسیع و اخراج ها، اثرات بلاواسطه ای بر جنبش کارگری برجای گذاشت به نحوی که

آهن اصفهان (کوره بلند)، تحسن کارگران چیت سازی ساری درمهرماه با خواست پرداخت حقوق های معوقه، تحسن ۱۵۰ کارگر اخراجی شرکت ماشین های زاینده رود در سازمان آب منطقه ای اصفهان برای بازگشت به کار و تحسن کارگران اداره کل راه قدس مهاباد درمحل مسجد این اداره با خواست پرداخت حقوق های معوقه و تضمین شغلی نام برد. از مجموعه حرکت های اعتراضی کارگری کمتر از ۷ درصد به تحسن اختصاص یافته است. از جمله راه پیمائی ها و تظاهرات مهم کارگری در سال گذشته نیز، بعد از تظاهرات و راه پیمائی با شکوه ۲۰۰۰ تن از کارگران کاشان دردی ماه و در اعتراض به واگذاری بیمارستان تامین اجتماعی، می توان به راه پیمائی و تظاهرات صدها تن از کارگران پروژه ای نفت آبادان در مرداد ماه با خواست استخدام رسمی و افزایش دستمزد، تظاهرات کارگران کارخانه پرسیان رشت وابسته به صنایع نظامی در تیرماه، که کارگران ابتدا در محوطه کارخانه تجمع نموده و دست به تظاهرات زدند و سپس با انجام راه پیمائی و آتش زدن لاستیک، اقدام به ایجاد راه بنادان در جاده فومن کردند. خواست کارگران پرداخت حقوق های معوقه، پاداش آخرسال و ادامه کاری کارخانه بود. در این حرکت اعتراضی کارگران تهدید کردند چنانچه به خواست آنها رسیدگی نشود، خود را آتش خواهند زد، و بالاخره راه پیمائی نزدیک به ۵۰۰ تن از کارگران پارچه بافی نخکاربا خواست حقوق های معوقه و ادامه کاری کارخانه نام برد. این شکل مبارزه نیز اگر چه از یک سو بازتاب دهنده درجه فشار بر کارگران است و اساساً واکنشی است در برابر تهاجمات کار فرمایان و سرمایه داران، اما در عین حال به معنای خیابانی شدن مبارزه بخش هایی از کارگران هم هست. معهداً این شکل مبارزه در مقایسه با سایر اشکال، رقم ناچیزی را تشکیل میدهد و از مجموعه حرکت های اعتراضی کارگری تنها ۵ درصد را به خود اختصاص می دهد. اکنون که عمده ترین اشکال مبارزه کارگری و نیز اهم عمومی ترین مطالبات کارگران را از نظر گذرانیم، قبل از آنکه به جمع بندی جنبش کارگری در سال ۷۷ بپردازیم لازم است که چند کلمه ای هم راجع به حرکت های اعتراضی بیکاران و بیکاران شدگان صحبت کنیم.

جنبش اعتراضی کارگران بیکار شده و کارگران در معرض اخراج

همانطور که پیش از این نیز به این موضوع اشاره کرده ایم، در جریان انحلال شرکت ها و توقف کارخانه ها و نیز توق و لوق شدن برخی دیگر از موسسات تولیدی، انبوه عظیمی از کارگران از کار بیکار شدند و انبوه عظیم دیگری از کارگران بلاتکلیف شده و در معرض اخراج و بیکاری قرار گرفتند. در برابر این فشار و تهاجم سرمایه داران، کارگران بلافاصله از خود واکنش نشان داده و با شور و حرارت به مبارزه علیه کارفرمایان برخاستند. این بخش از کارگران در مبارزه خود برای دفع حملات و حفظ موقعیتهای پیشین، اگرچه از اشکال مختلف مبارزه کارگری نظیر، راه پیمائی و تظاهرات استفاده کرده و گاه دست به تحسن زدند، اما عمده ترین شکل مبارزاتی آنان در وهله اول برپائی تجمعات اعتراضی در برابر کارخانه و مراکز دولتی و در مرحله بعدی امضای طومار و

از دست دادن کار، توقیف، زندان، اخراج و آوارگی کارگران همراه بوده است. "سوما" کارگران از هرگونه تشکیلات حمایت کننده ای نظیر اتحادیه و تشکل مستقل کارگری محروم بوده اند و حتی صندوق اعتصاب هم بعنوان یک رسم و سنت جا افتاده کارگری، هنوز در ایران رایج نشده است و چهارم این که کارفرمایان و دولت که می دانند اعتصاب درجه آگاهی کارگران را بالا میبرد چشم و گوش کارگران را باز میکند و به همین دلیل هم بشدت از آن میترسند، نه فقط از طریق ارگان های وابسته و نهادهای پلیسی _ جاسوسی خود درامر اعتصاب و شکل گیری آن اخلاص و خرابکاری میکنند تا جلوانرا بگیرند، بلکه علیه اعتصاب و اعتصابیون و برای قلع و قمع آنها، به خشن ترین شیوه های قهر و سرکوب نیز متوسل میشوند.

اما جنبه دیگر اهمیت اعتصابات کارگری، درخود اعتصابات و جنبه های آموزشی این شکل مبارزه کارگری نهفته است. وقتی که کارگران از کار امتناع میکنند، ماشین ها تماماً از کار میایستند. اعتصاب قبل از هر چیزی نیروی جمعی کارگران را به خود کارگران می شناساند. کارفرمایان و سرمایه داران که عموماً سعی میکنند خودرا "خیرخواه" کارگران نشان دهند و وابستگان به دولت و نوکران ریزدرشت آنها نیز کوشش میکنند که به کارگران اطمینان بدهند که نظام اسلامی و "دولت خدمتگزار" خاتمی، انطور که "عدالت اجتماعی" و "حرمت انسانی" اقتضا می کند در فکر کارگران هستند، هنگام اعتصاب، ماهیت خود را بهتر و روشن تر در معرض دید کارگران قرار می دهند. اعتصاب پای همه را به وسط می کشد. حراست، سپاه، ارتش، شورا و انجمن اسلامی، امام جمعه، دادگاه و همه و همه که در برابر کارگران می ایستند، به کارگران این امکان را می دهند که در جریان اعتصاب، بدترین دشمنان خود و نیز مرددین، عناصر وابسته به دولت و کارفرما و خرابکاران را بشناسند. اعتصاب به کارگران می آموزد که فقط راجع به کارفرمای خود و همکاران خودشان فکر نکنند بلکه به تمام کارگران و تمام کارفرمایان بیاندیشند! اعتصاب به کارگران می آموزد که اگر متحد باشند، میتوانند علیه سرمایه داران و برای تحقق مطالبات خویش، به مبارزه موثری دست بزنند. اعتصاب چشم کارگران را نه فقط برماهیت سرمایه داران بلکه برماهیت دولت و قوانین آن نیز بیش از پیش باز می کند و به آنان می آموزد که به مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه طبقه سرمایه دار فکر کنند! آری اعتصاب از این جنبه ها _ و جنبه های دیگری _ نقشی اساسی در مبارزه کارگران علیه سرمایه داران و دولت آنها ایفا کرده و میکند. آخر مگر نه اینکه "اعتصاب مکتب جنگ" است و "در پس هر اعتصاب اژدهای انقلاب خوابیده است"؟

تحسن، راه پیمائی و تظاهرات:

تحسن، راه پیمائی و تظاهرات، از دیگر اشکال مبارزه کارگران در سال گذشته بوده است. کارگران در مبارزه و رویارویی خود با کارفرمایان و سرمایه داران، این اشکال مبارزه را نیز بکار گرفته اند هرچند که عموماً آن را با شکل های دیگری و بویژه با تجمعات اعتراضی و اعتصاب ترکیب نموده اند. از جمله مهم ترین تحسن های کارگری میتوان به تحسن خردادماه کارگران نوب



اعتصاب کارگری در آرژانتین علیه بیکاری و فقر در این کشور

روز ۲۸ ژوئن همزمان با برگزاری اجلاس مشترک سران کشورهای آمریکای لاتین و اروپا، به دعوت اتحادیه های کارگری در آرژانتین، دهها هزار تن در "ریودورانیرو" در اعتراض به سیاستهای اقتصادی این دولت دست از کار کشیدند.

اعتصابیون ضمن راهپیمایی در مراکز اصلی شهر، مقابل محل تجمع سران، گردهم آمده و به تظاهرات پرداختند. تظاهرکنندگان ضمن محکوم کردن اخراج های وسیع، بیکاری و فقر روزافزون خواهان ایجاد اشتغال و مهارگرانی شدند.

در جریان این حرکت که از سوی پلیس، "غیرقانونی" اعلام شده بود، نیروهای پلیس ضد شورش و حشایانه اعتصابیون را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه آن دهها تن زخمی شدند.

اعتصاب کارگران نقاش ساختمان در هلند با موفقیت پایان یافت

قریب به ۲۵ هزار کارگر نقاش ساختمان از روز ۲۱ ژوئیه به منظور دریافت ۷ درصد اضافه دستمزد اعلام اعتصاب کردند. آنها همچنین اعلام کردند که اعتصاب از نقاط مختلف کشور آغاز و سرانجام سراسر هلند را فرا خواهد گرفت. اولین گروه اعتصابیون که شامل ۱۵۰۰ کارگر بودند، در نخستین روز دست از کار کشیدند.

طی روزهای بعد، در شهرهای مختلف، کارگران نقاش به اعتصاب پیوستند. سرانجام در دهمین روز اعتصاب هنگامی که بیش از ۲۰ هزار کارگر در اعتصاب شرکت کرده بودند، دولت هلند مجبور به عقب نشینی شد و به خواست اعتصابیون بالاچار تن داد.

لازم به ذکر است که کارفرمایان از ابتدا طرح پرداخت مبلغی حدود ۳۵۰ فلورن را علم کرده بودند تا بدینوسیله راه فراری بیابند. اما اراده کارگران و پیگیری آنها در جریان مبارزات فوق، نشان داد که آنان با اراده واحد موفق به کسب خواست خود شدند.

اعتصاب یک روزه کارگران چاپ در ایتالیا

طی یک حرکت متحد و سراسری، کارگران چاپ در ایتالیا، روز ۳ ژوئیه در اعتراض به خطر اخراج کارگران این رشته، دست از کار کشیدند. این اعتصاب وسیع و سازمان یافته که به دعوت اتحادیه های کارگری فراخوانده شده بود موجب شد که طی این روز هیچگونه روزنامه ای منتشر نگردد. اعتصاب فوق اعتراض به خطری است که کارگران شاغل در صنعت چاپ ایتالیا را تهدید میکند. از چندی پیش کارفرمایان به کارگران اعلام کرده بودند که با بکار گیری تکنیک و روشهای

جدید چاپ، هزاران کارگر صنعت چاپ از کار اخراج خواهند شد.

افزایش بیکاری در آمریکا

علیرغم تبلیغات عوامفریبانه دول سرمایه داری حول کاهش نرخ بیکاری طی ماههای گذشته، آمار منتشره حاکی از افزایش نرخ بیکاری در آمریکا است. براساس این آمار، بیکاری در آمریکا طی دو ماه گذشته از ۳/۹ درصد به ۴/۶ درصد افزایش یافته است.

اعتصاب کارگران و کارکنان خدمات توریستی در اسپانیا و یونان

در آستانه فصل تابستان و تعطیلات، دهها هزار تن از کارگران و کارکنان بخش توریسم در اسپانیا و یونان با خواست افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار دست از کار کشیدند. در این دو کشور که از مراکز مهم جهانگردی است، در فصل تابستان بر فشار کارافزوده میشود بدون آن که افزایشی در دستمزدها حاصل گردد.

در یونان علاوه بر کارکنان مسافرخانه ها، هتلها و رستورانها، کارکنان خط هواپیمایی این کشور "المپیا" اعلام کردند در نیمه اول ژوئیه دست به اعتصاب خواهند زد. در اسپانیا، از روز ۴ ژوئیه کارگران و کارکنان هتلها و غذا خوریهای جنوب این کشور دست از کار کشیدند.

گسترش اعتصابات و اعتراضات در اندونزی

مبارزات کارگران و دانشجویان د راندونزی که از هنگام روی کار آمدن حبیبی همواره در جریان بوده است، در اواخر ژوئن سال جاری گسترش یافت. در جاکارتا و سایر شهرها و جزایر این کشور موجی از تظاهرات برافشاد.

در جاکارتا اعتصاب کارگران با حمایت دانشجویان توام شد و دهها هزار تن در ۲۸ ژوئیه در خیابانها به راه پیمایی پرداختند. در جریان این تظاهرات که با حمله وحشیانه پلیس توام بود، صدها تن زخمی و چند تن کشته شدند.

اعتصابات اخیر در اعتراض به افزایش فقر و بیکاری و همچنین وعده های توخالی است که حبیبی داده است. بعد از سقوط سوهارتو، حبیبی که یکی از مهره های دیکتاتوری سابق اندونزی بود به قدرت خزید. از آن هنگام تا کنون نه تنها بهبودی در وضعیت توده های مردم حاصل نشد بلکه بردامنه فقر و بیکاری و سرکوب افزوده شده است.

پیرامون "انتخابات" در کویت

روز ۳ ژوئیه، در نهمین دور "انتخابات" مجلس "امت" کویت، ۱۱۲ هزار و ۸۸۲ مرد کویتی دارای حق رای به پای صندوقهای رای رفتند تا از میان ۲۸۸ نامزد مرد شرکت کننده در این کارزار، ۵۰ تن را برگزینند.

سخنگوی پارلمان فعلی کویت در پاسخ به این سؤال که زنان چه زمان حق رای خواهند داشت، گفت: چنانچه در مجلس آتی دو سوم نمایندگان تصمیم بر این امر بگیرند، زنان مجاز خواهند بود انتخاب کنند.

در حال حاضر زنان و کارگران خارجی که سالیان دراز در کویت به کار اشتغال دارند از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم اند.



توطئه دیگری برای مخومه اعلام کردن پرونده قتل ها

رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح حکومت اسلامی، صبح امروز یکشنبه ۳۰ خرداد، در یک مصاحبه مطبوعاتی، اسامی چهارتن از عاملان قتل های اخیر بنام های مصطفی کاظمی، مهرداد عالیخانی، خسرو براتی و سعید امامی را اعلام نمود. اما هدف اصلی وی از مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی این بود که اعلام کند سعید امامی که به گفته وی «یکی از عوامل اصلی و محوری این قتل ها» بوده است. «روز شنبه به موقع استحضام در بازداشتگاه با خوردن داروی نظافت (موبر) خودکشی کرد».

اعلام این خبر از سوی رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح رژیم، بیانگر این واقعیت است که رژیم تلاش دیگری را برای سرپوش گذاردن بر جنایات خود و مخومه اعلام کردن قتل های زنجیره ای اخیر آغاز کرده است. اسامی اعلام شده نشان میدهد که از تصمیم گیرندگان اصلی ماجرا یعنی سران رژیم، که در واقع آنها فرمان قتل ها را صادر کرده اند خبری نیست. این خود قلبی بودن تمام ادعاهای رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح رژیم را نشان میدهد. اما مسئله دیگر این است که برای مخومه اعلام کردن تمام قضیه، گفته میشود که سعید امامی نامی که «یکی از عوامل اصلی و محوری این قتل ها» بوده است، گویا روز گذشته خودکشی کرده است. پس تمام ماجرا به اینجا ختم خواهد شد که فردی «خودسر» به نام «سعید امامی» عامل اصلی قتل ها بوده است که او هم در زندان خودکشی کرده است.

رژیم با این شعبده بازیهای خود نمی تواند مردم ایران را فریب دهد. مردم ایران میدانند که تمام ادعاهای سران رژیم و دستگاههای اطلاعاتی و قضائی آن دروغ محض است. مردم این دروغ ها را باور نمیکند و به مبارزه خود علیه رژیم و جنایات آن ادامه میدهند.

سرخون باد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۳۷۸/۳/۳۰

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

بعثت تراکم مطالب ادامه مقاله

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری

در شماره آینده منتشر میشود

زنده باد سوسیالیسم

جدول شماره (۳) حرکت های اعتراضی و تنوع مطالبات کارگری در واحدهای تولیدی مختلف

شماره	نام کارخانه و شهر	تاریخ اعتراض	شکل اعتراض	مطالبات
۱	کارخانه خانه سازی کرمان	فروردین	ارسال نامه به روزنامه ها	بن کارگری + پرداخت دیون تامین اجتماعی + پرداخت به موقع دستمزدها
۲	شرکت شفاورد تالش	فروردین	تجمع اعتراضی	اجرای آئین نامه استخدامی و طرح طبقه بندی مشاغل
۳	شرکت نئوپان کارون شوشتر	فروردین	اعتصاب	اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و صدور احکام
۴	کارخانه ذوب فلزات یزد	فروردین	اعتصاب	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۵	ذوب آهن اصفهان (کوره بلند)	فروردین	اعتصاب	پرداخت دستمزدهای معوقه
۶	شهرداری ایلام	فروردین	تجمع اعتراضی در برابر شهرداری	پرداخت حقوق های معوقه + افزایش دستمزدها
۷	بیکاران شهر دزفول	اردیبهشت	تجمع اعتراضی در برابر اداره کار	کار و استخدام
۸	گمرک اسکله بندرعباس	اردیبهشت	تحصن	بهبود شرایط کار و امکانات
۹	جوراب آسیا	اردیبهشت	اعتصاب غذا	افزایش دستمزدها + توقف اخراج ها
۱۰	شرکت ایران پوپلین رشت	اردیبهشت	اعتصاب	پرداخت دستمزدها
۱۱	کارگران بیکار طیس	اردیبهشت	تجمع اعتراضی در برابر فرمانداری	حق بیمه بیکاری + کار
۱۲	کارخانه توماتو مشهد	اردیبهشت	تجمع اعتراضی در برابر اداره کار	حق بیمه بیکاری
۱۳	پالایشگاه نفت آبادان	اردیبهشت	تجمع اعتراضی در برابر ساختمان دولتی	توقف اخراج ها + اجرای قراردادهای دسته جمعی کار + امنیت شغلی
۱۴	کارخانه نساجی مازندران قائم شهر	اردیبهشت	اعتصاب	افزایش دستمزدها
۱۵	کارخانه پتوبافی رشت	اردیبهشت	اعتصاب + بستن جاده فومن _ رشت	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۱۶	کارخانه فرش گیلان	اردیبهشت	اعتصاب	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۱۷	کارخانه سیمان آباد	اردیبهشت	ارسال نامه اعتراضی	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۱۸	شرکت "بنادر" کرمانشاه	اردیبهشت	ارسال نامه اعتراضی	پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده
۱۹	پالایشگاه نفت آبادان (کارگران پروژه ای)	خرداد	تجمع در برابر اداره کار	استخدام رسمی + قراردادهای دسته جمعی
۲۰	کارخانه چیت سازی ممتاز	خرداد	اعتصاب	افزایش دستمزد + مزایای معوقه و حق عائله مندی
۲۱	شرکت صنایع چوبی ایران_ تهران	خرداد	نامه اعتراضی	ادامه کاری شرکت (اعتراض به انحلال و تعطیلی شرکت)
۲۲	کارخانه چیت سازی تهران	خرداد	اعتصاب	افزایش دستمزد + پرداخت اضافه حقوق و مزایای مربوطه افزایش تولید + اجرائی طرح طبقه بندی مشاغل
۲۳	کارخانه نخکار	خرداد	اعتصاب و تجمع در برابر کارخانه	پرداخت حقوق و مزایای معوقه + تامین شغلی
۲۴	پالایشگاه (آبادان، بندرعباس، ماهشهر)	خرداد	اعلام هشدار و اوتیماتوم	افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم + قراردادهای دسته جمعی
۲۵	ستادبازسازی خرمشهر (مشهد)	خرداد	تجمع در برابر فرمانداری خراسان	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها) + پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۲۶	شرکت نان شهر	خرداد	طومار اعتراض به رسانه ها	جلوگیری از توقف و تعطیل شرکت (ادامه کاری شرکت)
۲۷	آرد بیستون کرمانشاه	خرداد	یادداشت اعتراضی به روزنامه ها	پرداخت حقوق های معوقه + امنیت شغلی
۲۸	کارخانه آدامس سازی رامسر	خرداد	اعتصاب	افزایش دستمزدها
۲۹	کارخانه نساجی آذر اصفهان	خرداد	اعتصاب	افزایش دستمزدها + پرداخت مزایای عقب افتاده
۳۰	ذوب آهن اصفهان (کوره بلند)	خرداد	تحصن	پرداخت حقوق و مزایای معوقه + افزایش دستمزد
۳۱	واحد صنعتی چیلان قزوین	خرداد	اعتصاب	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۳۲	شرکت صنایع فرش ماشینی راوند کاشان	تیر	اعتصاب	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۳۳	کارخانه پرسیان رشت (وابسته به صنایع نظامی)	تیر	اعتصاب + تجمع + تظاهرات + راهپیمایی	حقوق و مزایای معوقه + پاداش آخرسال + ادامه کاری کارخانه
۳۴	کارخانه آزیست سازی رودبار	تیر	اعتصاب	افزایش دستمزدها + مزایای معوقه
۳۵	کارخانه گونی بافی رشت	تیر	اعتصاب	افزایش دستمزدها + مزایای معوقه
۳۶	شرکت پوست و چرم خراسان	مرداد	تجمع اعتراضی در برابر دفتر مرکزی شرکت	پرداخت حقوق و مزایای معوقه + تضمین شغلی
۳۷	شرکت میلیون _ جاده قدیم کرج	مرداد	نامه اعتراضی	پرداخت حقوق های معوقه
۳۸	شرکت ظریفان مشهد	مرداد	نامه اعتراضی به اداره کل کار	امنیت شغلی (اعتراض به قراردادهای موقت کار) + بازگشت به کار
۳۹	شرکت پایانه کرمانشاه	مرداد	مراجعه به هیئت های حل اختلاف	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها) + بازگشت به کار
۴۰	پتروشیمی اصفهان (رانندگان)	مرداد	اعتصاب	حقوق و مزایای عقب افتاده
۴۱	جهاد اسلامی ایلام و ماه شهر	مرداد	تظاهرات	حقوق و مزایای معوقه + توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها)
۴۲	بهداری و بهداشت تهران (وابسته به وزارت نفت)	مرداد	نامه اعتراضی به مطبوعات	افزایش دستمزد + امکانات رفاهی و درمانی + مزایای قانونی + استخدام رسمی
۴۳	شرکت صنایع چوبی ایران _ تهران	مرداد	تجمع اعتراضی در برابر فروشگاه مرکزی شرکت	حقوق و مزایای معوقه
۴۴	پالایشگاه نفت آبادان	مرداد	تجمع + راه پیمایی	افزایش دستمزدها + قراردادهای جمعی + استخدام رسمی
۴۵	چاه نفت شماره یک کبود کوه آبادان	شهریور	نامه اعتراضی به مطبوعات	افزایش دستمزدها + حقوق و مزایای معوقه + روشن شدن وضعیت استخدامی (تضمین شغلی)
۴۶	کارخانه گچ تهران	شهریور	تجمع اعتراضی در محل دفتر این شرکت	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها) + پرداخت وجوه مربوط به بازخرید
۴۷	شرکت خانه گستر	شهریور	نامه به مطبوعات	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها)
۴۸	واحد صنعتی چیلان قزوین	شهریور	تجمع در برابر استانداری قزوین	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۴۹	کارخانه چیت سازی بهشهر	شهریور	اعتصاب و تجمع در برابر کارخانه + تجمع در شهر	امنیت شغلی + پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۵۰	کارخانه الکتریک رشت	شهریور	تجمع اعتراضی	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۵۱	شرکت پوست و چرم خراسان	شهریور	تجمع در محل بانک صنعت و معدن	امنیت شغلی + حقوق و مزایای عقب افتاده
۵۲	شرکت جنگل شفاورد	شهریور	اعتصاب	حقوق و مزایای معوقه
۵۳	شرکت صنایع چوبی ایران	شهریور	تجمع اعتراضی در برابر فروشگاه مرکزی شرکت	حقوق و مزایای معوقه
۵۴	شرکت آب و فاضلاب اهواز	شهریور	نامه اعتراضی به مطبوعات	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها) + بازگشت به کار
۵۵	کارخانه جهان چیت کرج	مهر	---	توقف اخراجها (اعتراض به اخراجها) + ادامه کاری کارخانه (اعتراض به توقف کارخانه)
۵۶	پالایشگاه نفت آبادان (کارگران پروژه ای)	مهر	نامه اعتراضی به مسئولین	تضمین شغلی + استخدام رسمی
۵۷	کارخانه چیت سازی ساری	مهر	تجمع اعتراضی و تحصن	پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده
۵۸	پالایشگاه نفت آبادان	مهر	تجمع اعتراضی در برابر فرمانداری	استخدام رسمی + لغو احکام اخراجها

شماره	شهرداری ایلام	مهر	تجمع درمحل مجتمع فرهنگی و هنری استان	حقوقهای معوقه + طلب سالهای گذشته مربوط به طبقه بندی مشاغل + لباس و بهبود شرایط کار
۵۹	تولیدی خزر تنکابن	مهر	نام اعتراضی	حقوق های معوقه + امنیت شغلی (اعتراض به تهدید به واگذاری شرکتی به بخش خصوصی)
۶۰	شرکت وزنه	مهر	نام اعتراضی	حقوق های معوقه + وسائل ایمنی و بهبود شرایط کار
۶۱	سازمان فرهنگی هنری تهران	مهر	نام اعتراضی	حقوق ومزایای معوقه
۶۲	شرکت کرمانیت کرمان	مهر	تجمع در محل اداره کل کار کرمان	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراجها) + بازگشت به کار
۶۳	صنعت نفت منطقه گچساران	مهر	نام اعتراضی به مطبوعات	اجرای پیمان های دسته جمعی کار + طرح طبقه بندی مشاغل
۶۴	شرکت تولیدی ایران جیکا _ رشت	مهر	تجمع اعتراضی در برابر استانداری گیلان	حقوق ومزایای معوقه
۶۵	شرکت فرش اکیابان	مهر	تجمع در برابر ساختمان مرکزی شرکت	حقوق ومزایای معوقه
۶۶	کارخانه نخ ریسی پارسیلون خرم آباد	آبان	اعتصاب و تجمع در محوطه کارخانه	افزایش دستمزد و مزایا + تغییرسیاست مدیریت (اعتراض به سیاستهای مدیریت)
۶۷	کارخانه آجر عالی اصفهان	آبان	تجمع درمحل خانه کارگر	حقوق های عقب افتاده + ادامه کاری کارخانه (اعتراض به بلامتکلیفی)
۶۸	مجتمع متالوژی پودر ایران	آبان	تجمع اعتراضی درمحل روزنامه کار و کارگر	بازگشت به کار
۶۹	شرکت دارو پخش ایران	آبان	نام اعتراضی به روزنامه ها	پرداخت پاداش و بهره وری های معوقه
۷۰	شهرداری تهران	آبان	نام اعتراضی	توقف اخراجها (اعتراض به اخراجها) + بازگشت به کار
۷۱	شرکت کرمانیت کرمان	آبان	نام اعتراضی به روزنامه ها	توقف اخراجها (اعتراض به مانعت از ورود کارگران اخراجی به کارخانه) + بازگشت به کار + تضمین شغلی
۷۲	شرکت خانه سازی کرمان	آبان	تجمع در محل خانه کارگر کرمان	حقوق و مزایای معوقه
۷۳	فرهنگسرای بهمن	آبان	اعتصاب	حقوق ومزایای عقب افتاده ، (پرداخت بودجه مصوب شهرداری)
۷۴	مجتمع پتروشیمی بندر امام	آبان	تجمع در برابر و در داخل مجلس	استخدام رسمی
۷۵	شرکت کبریت فروزان مشهد	آبان	مراجعه به اداره کل کار	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراجها) + بازگشت به کار
۷۶	نساجی قائم شهر	آبان	اعتصاب و اشغال کارخانه و بازداشت مدیر عامل	حقوق ومزایای معوقه + تضمین شغلی + افزایش دستمزدها
۷۷	شرکت صنعتی جهان کرج	آبان	تجمع در محوطه کارخانه	حقوق ومزایای معوقه + پاداش و عیدی
۷۸	شهرداری منطقه ۱۲ تهران	آبان	تجمع در مقابل شهرداری و تظاهرات	حقوق های معوقه + برخورداری از مزایا
۷۹	کارخانه شیشه همدان	آذر	اعتصاب و مانعت از ورود مدیر	بهبود شرایط کار (اعتراض به نحوه برخورد با مدیریت)
۸۰	کارگاه شهید باهنر _ گیلان	آذر	مراجعه به استانداری، اداره کار + نامه اعتراضی	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراجها) + بازگشت به کار
۸۱	شرکت آجرسازی اصفهان	آذر	تجمع در برابر ساختمان استانداری	حقوق های معوقه
۸۲	شرکت ماشین های زاینده رود _ اصفهان	آذر	تجمع و تحصن در محل شرکت + نامه اعتراضی	بازگشت به کار
۸۳	شرکت صیادان دام گستر _ گیلان	آذر	تجمع در برابر دفتر ریاست جمهوری	آزادی صید (اعتراض به ممنوعیت صید ماهی)
۸۴	لوله سازی خوزستان	آذر	مراجعه به مجلس	حقوق های معوقه
۸۵	شرکت مس کرمان	آذر	نام اعتراضی به مطبوعات	اجرای طرح طبقه بندی مشاغل + مزایای کامل + استخدام رسمی + حقوقهای معوقه
۸۶	کارخانه الکترولوکس ساوه	آذر	تجمع اعتراضی در محل کارخانه	بازگشت به کار
۸۷	کارگران کاشان	دی	تحصن، تجمع، راه پیمائی و تظاهرات	لغو واگذاری بیمارستان تامین اجتماعی
۸۸	کارخانه فرش مازندران	دی	نام اعتراضی به مطبوعات	لغو بازخرید و قراردادهای موقت کار (اعتراض به بازخرید شدن کارگران و قراردادهای موقت)
۸۹	اداره کل راه قدس مهاباد	دی	عدم حضور درمحل کار (اعتصاب) و تحصن درمسجد	حقوق و مزایای معوقه
۹۰	کارخانه ایران پرتو شیراز	دی	تجمع در برابر اداره کار فارس	حقوق های معوقه + ادامه کاری کارخانه (اعتراض به تعطیلی کارخانه)
۹۱	شرکت آرامش _ یزد	دی	تجمع در برابر ساختمان استانداری	حقوق های معوقه + تضمین شغلی
۹۲	شرکت جهان کار _ مشهد	دی	تجمع اعتراضی در خانه کارگر خراسان	ادامه کاری شرکت + اشتغال (اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر تعطیلی کارخانه)
۹۳	جهان چیت	دی	تجمع اعتراضی	حقوق های معوقه + بازگشت به کار
۹۴	کارخانه نساجی سمنان	دی	تجمع اعتراضی در برابر کارخانه	پرداخت طلب ها + بازگشت به کار
۹۵	شرکت کیمیدارو	دی	نام اعتراضی به مطبوعات	اجرای طرح طبقه بندی مشاغل + (اعتراض به ناچیز بودن دستمزدها) افزایش دستمزدها
۹۶	کارخانه پارچه بافی نخکار _ کرج	بهمن	راه پیمائی و تجمع در برابر وزارت کار	پرداخت حقوق های معوقه + ادامه کاری کارخانه (راه اندازی مجدد کارخانه)
۹۷	شرکت توانیر اهواز	بهمن	تحصن	تضمین شغلی (اعتراض به واگذاری کارهای شرکت به پیمانکاران خصوصی)
۹۸	کارخانه پارچه بافی نخکار _ کرج	بهمن	تجمع اعتراضی در محل وزارت کار	حقوق و مزایای معوقه
۹۹	کارخانه نازپوش انزلی	بهمن	تجمع درمحل کارخانه + نامه اعتراضی به مطبوعات	حقوق ومزایای معوقه
۱۰۰	تاکسی رانان _ مهاباد	بهمن	اعتصاب و تجمع در یکی از خیابانهای اصلی شهر	افزایش نرخ تاکسی
۱۰۱	آجر ماشینی ارومیه	اسفند	نام اعتراضی به استاندار و وزیر کار	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراجها + اشتغال + ادامه کاری کارخانه)
۱۰۲	صنایع ضایعات فلزی _ شهریار	اسفند	نام اعتراضی به رئیس جمهوری و سایر مسئولین	حقوقهای معوقه + ادامه کاری + امنیت شغلی
۱۰۳	شرکت ایریشم طوس _ مشهد	اسفند	تجمع در خانه کارگر	بازگشت به کار (اعتراض به اخراج ها)
۱۰۴	شرکت سیپورکس ساوجبلاغ	اسفند	اعتصاب	حقوق ومزایای معوقه
۱۰۵	مخابرات	اسفند	نام اعتراضی به مطبوعات	افزایش دستمزدها + مزایای حقوقی + دفترچه خواروبار
۱۰۶	شرکت کیمیدارو	اسفند	نام اعتراضی	پرداخت کامل عیدی (بدون کسر مالیات)
۱۰۷	اجاق سازی جواهریان _ شهرستان ری	اسفند	تجمع اعتراضی و تحصن	حقوق ومزایای معوقه
۱۰۸	کارخانه پارچه بافی نخکار _ کرج	اسفند	نام اعتراضی به مطبوعات	حقوق های معوقه _ بیمه بیکاری
۱۰۹	شرکت کیان چرخ _ خرمدره	اسفند	تجمع اعتراضی در خانه کارگر + نامه اعتراضی	حقوق های معوقه
۱۱۰	کارخانه ریسندهی اتحاد سه ستاره _ اصفهان	اسفند	ارسال طومار به روزنامه ها	بازگشت به کار + توقف اخراج ها (اعتراض به اخراجها)
۱۱۱	شرکت صنایع چوبی ایران	اسفند	تجمع در برابر بانک مسکن شعبه مرکز	حقوق های عقب افتاده + تامین شغلی
۱۱۲	شرکت صنایع ضایعات فلزی _ شهریار	اسفند	تجمع اعتراضی در برابر دفتر شرکت در تهران	حقوق و مزایای معوقه + پاداش و عیدی
۱۱۳	شرکت فراورده های ساختمانی	اسفند	تجمع اعتراضی در برابر بانک صنعت و معدن	حقوق های معوقه
۱۱۴	شرکت صنعتی الکتریک خراسان	اسفند	تجمع در محل اداری شرکت	پاداش و عیدی
۱۱۵	کارخانه ارج	اسفند	اعتصاب	حقوق و پاداش سالانه
۱۱۶	ساختمان سازی دولت آباد _ شهرستان ری	اسفند	تجمع اعتراضی در خانه کارگر	حقوق ومزایای معوقه + توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها)
۱۱۷	شرکت خدماتی در تبریز	اسفند	تحصن در محل بیمارستان رازی	حقوق های معوقه و عیدی
۱۱۸	کارگاه برج تهران	اسفند	نامه اعتراضی	توقف اخراجها (اعتراض به اخراج ها) + امنیت شغلی
۱۱۹				

جنبش کارگری در سال ۷۷ (قسمت آخر)

اخباری از ایران

بهای خدمات حمل و نقل، از اول تیرماه بهای نان در تهران و شهرستانها افزایش یافت. این افزایش بهای هر قرص نان از ۱ تا ۵ تومان بوده است. یک مقام وزارت بازرگانی اعلام کرد که این افزایش بهای نان با موافقت دولت انجام گرفته است. وی قیمت جدید نان تافتون را ۸۰ ریال، لواش ۷۰ ریال و بربری ۲۰۰ ریال اعلام کرد. معهدا قیمت نان در برخی نانوایی ها بسی فراتر از آن چیزی است که رسماً اعلام شده است.

آزادخواهی انجمن صنفی روزنامه نگاران و شان مجلس!

" انجمن صنفی روزنامه نگاران " در نامه سر گشاده‌ای به نمایندگان مجلس، طرح اصلاح قانون مطبوعات را، طرحی با هدف محدود کردن آزادیهای قانونی مردم دانست. این انجمن با اعلام این موضوع که اکثریت قاطع دست اندرکاران مطبوعات نیروهائی هستند که یا "درانقلاب فعال بوده اند و یا محصول همین انقلاب هستند" درنامه خود چنین نوشته اند که " این طرح موجب این تصور میشود که دولت خواستارگسترش آزادیهاست ولی مجلس در جهت معکوس گام برمی دارد و این تصور در شان و جایگاه مجلس لطمه جبران ناپذیری وارد می سازد " انجمن یاد شده درانتهاهی نامه تاکید کرده است که قصد آنان از نوشتن نامه تنها این بوده که "خطری" را که از ناحیه این طرح متوجه " حیثیت و اعتبار مجلس" میشود، به آنان تذکر دهد! این هم از حد و حدود آزادخواهی انجمن صنفی روزنامه نگاران!

اعتراف دادستان کل حکومت اسلامی

جمهوری اسلامی در جریان تعرض سرکوبگرانه سالهای پس از ۶۰، دهها هزارتن از مخالفین خود را به بند کشید و به جوخه های اعدام سپرد. هنگامی ابعاد این سرکوب و کشتار بطور واقعی روشن خواهد شد که با سرنگونی جمهوری اسلامی پرونده این وحشی گریها دراختیار مردم قرار گیرد. مقتدائی دادستان کل حکومت اسلامی اخیراً در گردهم آئی مسئولان قضائی رژیم، اشاره ای به این سرکوبها داشت و گفت: " در حال حاضر، حالت انتظاری برای تشکیل دادگاه سیاسی بوجود آمده است و این پرسش مطرح است که چرا این دادگاه ها تشکیل نشده است " وی درپاسخ به این سؤال گفت: " آنوقت گرفتار گروههای محارب بودیم و زندان ها پر شده بود و همه اینها می گفتند که زندانی سیاسی هستند، لذا آنموقع تصمیم گرفته شد که مسکوت گذاشته شود و اعلام شد که زندانی سیاسی وجود ندارد و آنان مجرم اند"

اظهارات رئیس کل بانک مرکزی درمورد اوضاع اقتصادی

نوربخش رئیس کل بانک مرکزی حکومت اسلامی اعلام کرد که نرخ رشد اقتصادی ایران درسال ۷۷ به ۱/۷ تا ۲ درصد رسید. وی گفت که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی درسال ۷۶، ۲/۵ درصد بود که نسبت به سال ۷۵ به نصف کاهش یافته است. درسال ۷۵ این رقم ۵/۲ درصد بود. نوربخش ادعا کردکه نرخ تورم درسال جاری به حداکثر ۲۰ درصد خواهد رسید.

شهرها و خیابان ها و مقابل مراکز دولتی و حکومتی، نه فقط صدای اعتراض خود را به گوش سایرزحمتکشان و بری جالب حمایت آنها و افکار عمومی رساندند و بدینوسیله توانستند سرمایه داران و دولت را برای پاسخگویی به مطالبات خود تحت فشار بیشتری قرار دهند، بلکه در رودروئی مستقیم خود با این نهادهای دولتی، جنبه های سیاسی مبارزه خویش را نیزبالا بردند. درگذرگاه کارگران از رودروئی با فلان کارفرما و سرمایه دار منفرد، به رودروئی با نهادهای دولتی، نه فقط جنبه سیاسی جنبش کارگری تقویت می شد، بلکه این موضوع تاثیرات بیواسطه ای بر شناخت ماهیت واقعی دولت و ارتقا درجه آگاهی کارگران نیز برجای گذاشت. وقتی که نفت گران بطور هم زمان در چندین پالایشگاه دست به اعتصاب و اعتراض میزدند و یا حتی هشدار به اعتصاب و اعتراض جمعی می دادند، وقتی که کارگران کارخانه نکخار، شورلی اسلامی را علناً کنار میزدند و مبارزه اعتراضی خویش را مستقل ازتشکل های وابسته به رژیم سازمان میدادند و بالاخره وقتی که کارگران دربرابر بهانه سرمایه داران مبنی بر زیان دهی، برای توقف و تعطیل کارخانه قد علم کردند وایستادند و آمادگی خویش را برای دردست گرفتن تمام امور کارخانه اعلام کردند. . . . آنان بدین وسیله نشان می دادند که جنبش کارگری درمتمن تعرض سرمایه حتی، گام هائی به پیش برداشته است و نشان میدادند که تعرض سرمایه داران و تشدید فشار برکارگران، برغم اثرات منفی و زیانبارش، نتوانسته است مبارزه کارگری و اراده کارگران را برای دست یابی به مطالبات خویش درهم بشکند. اگر این موضوع حقیقت دارد که تعرض سرمایه، جنبش مطالباتی کارگران را به موضع تدافعی انداخت، اما این هم حقیقتی است که تراکم خشم کارگران و به میدان آمدن آنان درابعادی گسترده را نیزدر پی داشت و عزم آنها را به مبارزه ای جدی برای تغییر اوضاع راسخ ترساخت. کارگران اگر چه اساساً برایخواستهای اقتصادی دست به مبارزه و اعتراض زده اند و این مطالبات علی العموم خصلت تدافعی داشته است اما این موضوع نافی این قضیه نیست که جنبش کارگری بریستبرحران حاد سیاسی موجود و تعمیق شکاف حکومتی و فضای ملتهب و متلاطم جامعه که هم طرح هرگونه خواستی در این فضا و در برابر جمهوری اسلامی به سرعت خصلت سیاسی بخود می گیرد و هم شرایط بالنسبه مساعدی برای ابراز وجود طبقه کارگر فراهم کرده است، به فوریت بتواند این مرحله را پشت سر گذاشته به مراحل عالی تری گذر نماید و به یک جنبش سیاسی و سرتاسری تبدیل شود.

تصحیح و پوزش:

درنشریه کار شماره ۳۲۶ صفحه ۴ ستون دوم، سطر دوازدهم، دراین جمله کلمات بکلی جابجا شده است. اصل جمله بدینصورت میباشد. " این واقعیت که معنایش تشدید فقر، فلاکت و گرسنگی بیشتر کارگران بود، خواست افزایش دستمزد را به خواستی فوری تبدیل کرده و به صدرخواستهای کارگری می راند."

عمومی ترین خصوصیت جنبش کارگری در سال گذشته، ایستادن دربرابر همین تعرض به منظور ممانعت از پیشروی بیشتر سرمایه داران بود. در برابر هجوم سهمگین و بربرمنشانه سرمایه، جنبش کارگری به دفاع از خود برخاست تا در این جنگ نابرابر، لااقل سنگرها و موقعیت پیشین خودراحفظ کند. کارگران درحالیکه مجبور به عقب نشینی شدند، اما دلاورانه در این راه رزمیدند و به اشکال مختلفی علیه کارفرمایان و سرمایه داران مبارزه کردند. برغم استفاده کارگران از شکلهای مختلف و متنوع مبارزه، اما برپائی تجمعات اعتراضی و اعتصاب که اکثراً به بیرون از کارخانه ها راه می یافت، مهمترین شکل مبارزه کارگری بود که این موضوع قبل از هرچیز اراده و گرایش عمومی کارگران بویژه بخش هائی که درجه آسیب پذیری آنان در برابر تعرض سرمایه بالا بود، به مبارزه ای فراتر از چارچوب کارخانه و موسسه تولیدی و برایبالا بردن میزان اثربخشی آن را نشان میداد. برپائی دهها اعتصاب و اجتماع اعتراضی کارگری و کمیت و کیفیت این مبارزات، حاکی از آن است که این مبارزات به درجات معینی سازمان یابی شده و مستقل از تشکل های وابسته به رژیم بوده است. هرچند که این مبارزات هنوز خود را تماماً ازشرتشکلهای وابسته به رژیم خلاص نکرده است، اما درشکل دهی و سازماندهی این مبارزات، فعالین و پیشروان کارگری، نقش مهمی ایفا کرده اند.

مبارزات اعتراضی کارگری درسال گذشته بلحاظ کمی از رشد قابل ملاحظه ای نیز برخوردار شده است و نه فقط به لحاظ عددی شمار حرکت های اعتراضی کارگری چشمگیر است بلکه این حرکتهای اعتراضی اولاً محدود و منحصر به این شهر و آن شهر نبوده و در سرتاسر کشور گسترده بوده است و ثانیاً کمیت شرکت کارگران دراین حرکتهای اعتراضی نیز بالا بوده است. با اینهمه باید اعتراف نمود که برغم وسعت و گستردگی این مبارزات و برغم کمیت بالای کارگران شرکت کننده درآن، این مبارزات اساساً پراکنده و جدا از هم بوده است، اعتراضات کارگری همه جائی بوده ودرسرتاسرایران جریان داشته است، اما یکپارچه و سراسری نبوده است و برغم وجود خواست های عمومی یک بخش بسیار زیادی از کارگران، اما این خواست ها به دلیل محرومیت کارگران از تشکلهای مستقل و سراسری، مبارزه هماهنگ و یکپارچه ای در ابعاد سراسری درپی نداشته است. مبارزات کارگری و گسترش آن اگر چه نتوانسته است تا اندازه ای بر سرراه پیشروی سرمایه داران مانع ایجاد کند وخواست های عمومی کارگران را درسطح بسیار وسیعی به میان بکشد، اما نتوانست ویا هنوز نتوانسته است سرمایه داران را بویژه در مقیاس تمام کشور عقب براند! مطالبات کارگری نیز برغم گوناگونی آن، در کلیت خود اقتصادی و صنفی بوده است وجزدرمواردی معدود، اساساً خصلت دفاعی داشته وهرچند که ازنتایج آن نیز اطلاعات دقیقی در دست نیست و خبری انتشارنیافته است، اما چنین بنظر میرسد که این مطالبات در وجه عمده، تحقق نیز نیافته باشد.

برغم همه اینها اما کارگران با برپائی اعتصابات و تجمعات و کشاندن مبارزات اعتراضی خود به جلو کارخانه ها و از جلو کارخانه ها به داخل

تروریسم فعال !

بود که آنان اجرای "ماموریت های" خطیر خود را طبق رهنمود های سران رژیم و رئیس شورای عالی امنیت آن آغاز کردند. پنجم خرداد، حوالی ساعت ۲ بامداد، قرارگاه مجاهدین واقع در حومه جنوبی شهر العماره عراق مورد تهاجم موشکی قرار می گیرد. ۱۵ خرداد ساعت ۱۱/۵ شب دو بمب درحوالی دفتر مرکزی مجاهدین در بغداد که توسط مزدوران جمهوری اسلامی کار گذاشته شده بود، منفجر میگردد. روز چهارشنبه ساعت هشت بامداد یک اتوبوس شهری حامل مجاهدین در شمال بغداد با انفجار مهیب یک ماشین ملو از مواد منفجره که در کنار خیابان پارک شده بود، هدف یک سو قصد تروریستی قرار میگیرد که در اثر آن ۶ نفر کشته و ۲۱ نفر مجروح می شوند. ساعت ۸/۵ شب ۲۰ خرداد، قرارگاه های مجاهدین با شلیک موشک های اسکاد ب مورد حمله قرار میگیرد. شایان ذکر است که در اثر این انفجارات و حملات، علاوه بر خسارت های مالی وارد شده به اهالی روستائی عراقی، چندین تن از شهروندان عراقی نیز کشته و مجروح شده اند. این ها فقط نمونه هایی از اقدامات جنایتکارانه و تروریستی جمهوری اسلامی آنهاست.

تمامی این اقدامات جنایتکارانه و تروریستی گواه این حقیقت است که هیچ تغییری در ماهیت این رژیم ارتجاعی و سرکوبگر ایجاد نشده و تروریسم جمهوری اسلامی تحت ریاست آقای خاتمی نیز همچنان فعال است. ما این اقدامات جنایتکارانه و تروریستی را قویا " محکوم می کنیم و از همه انقلابیون و آزادی خواهان می خواهیم تا ضمن محکوم کردن اینگونه اقدامات همه و هرگونه حرکت و تلاش بمنظور پرده افکندن بر ماهیت ارتجاعی و تروریستی جمهوری اسلامی را افشا و خنثی کنند. ما یکبار دیگر اعلام میداریم که جناح های رژیم سروهه یک کرباسند و نخستین شرط پایان تروریسم رژیم جمهوری اسلامی، براندازی و خاکسپاری خود این رژیم است.

سرمایه داران داخلی و . . .

مورد تجدید نظر قرار گیرد. آنها گفتند: "قانون کار باید تحت عنوان قانون کار و روابط صنعتی برمحوراهداف ملی معینی توسعه اقتصادی کشور و رشد فعالیت تولیدی، تشویق اشتغال زائی و درآمد آفرینی مورد تجدید نظر قرار گیرد." به زبان ساده یعنی این که قانون کار باید با هدف تامین هر چه بیشتر منافع سرمایه داران مورد تجدید نظر قرار گیرد. کارگران بیشتر تولید کنند و دستمزد کمتری بگیرند. روشن است که سرمایه داران تعرض گسترده ای را علیه کارگران و برخی دست آوردهای آنها سازمان داده اند. درهم شکستن این تعرض مستلزم مقاومت و مبارزه جدی کارگران است. قطعاً کارگران ایران تسلیم این زورگویی سرمایه داران نخواهند شد و همانگونه که طرح نمایندگان مجلس ارتجاع را در مورد کارگاههای کوچک با شکست روبرو ساختند، این تعرض سرمایه داران را نیز درهم خواهند شکست. اتحاد و مبارزه کارگران رمز پیروزی آنهاست.

اینگونه خط میدهد به مامورین اطلاعاتی و امنیتی یعنی همان برنامه ریزان و مجریان ترور و کشتار و اینگونه دفاع میکند ازاین ارگان واقدامات آن. و همه ما میدانیم که در رژیم جمهوری اسلامی "دشمن" به چه کسانی اطلاق می شود و چگونه این رژیم تا کنون دهها هزار تن از نیروهای انقلابی و مخالفین خود را تحت عناوین "معاند" و "کافر" و "منافق" و غیره به بهانه جاسوس و امثال آن سربه نیست کرده است. باید در نظر داشت که تلاشهای خاتمی در این زمینه برای حفظ دستگاه تروریستی و بالا بردن روحیه اقدام و فعال نگاه داشتن این نهاد، با تحركات دیگری در عرصه خارجی و در همین زمینه نیز تکمیل شده است. برای نمونه دیدار و گفتگوهای خاتمی با رهبران حزب الله لبنان از جمله شیخ حسن نصرالله در سفری که به سوریه کرده بود و بدنبال آن اعزام خزازی و وزیر آقایی خاتمی در اواخر خرداد به بیروت و ملاقات وی با رهبران حزب الله و نیز ملاقات خاتمی با نبی بری رهبر شیعیان اهل در تهران که در این ملاقات ها بر " وظیفه شرعی و اسلامی" جمهوری اسلامی در حمایت از آنها تأیید شده است و نیز تحركات دولت خاتمی در آزادی یوسف امین یکی از عوامل جنایت تروریستی میکونوس و نیز برای آزادی کاظم دارابی مزدور جمهوری اسلامی و تحركات دیگری از این قبیل، تماما در ادامه تروریسم جمهوری اسلامی و فعال نگاه داشتن آن بوده است! و در کف حمایتهای همه جانبه سران رژیم و از جمله آقای خاتمی است که نیروهای اطلاعاتی رژیم اجلاس سه روزه در تهران برپا میکنند و بیانیه صادر میکنند و آمادگی خود را برای "مقابله" با تحركات "ضدامینیتی داخلی و خارجی" اعلام می دارند و با وقاحت و پروتوی از "ملت شریف" می خواهند تا "همچون گذشته سربازان گمنام امام زمان را در اجرای ماموریتهای خطیر خود یاری کنند" (رسالت ۱۲ خرداد ۷۸)

یک نگاه سطحی و گذرا به اقدامات جنایتکارانه رژیم در همین یکی دوماه اخیر، کافی است تا این موضوع را ثابت کند که ماشین کشتار و ترور رژیم حتی یکدم از حرکت باز نایستاده و دستگاه امنیتی همچنان سرگرم ارباب و سرکوب و اقدامات تروریستی بوده است. صدها تن از مردم به بهانه های مختلفی در سراسر ایران دستگیر و روانه زندان ها شده اند و دهها تن دیگر به جوخه های مرگ سپرده اند. موج اعدام های علنی، ادامه داشته است. در شیراز و بندر عباس دوفرد در ملا عام اعدام و با جراثقال به دار آویخته شدند. نویسندگان و روزنامه نگاران مکرراً توسط آدم ربایان و جوخه های مرگ رژیم مورد تهدید و ارباب قرار گرفته اند. دهها تن از زندانیان در زندانهای مختلف تهران و سایر شهرستانها اعدام شده اند. دو تن از پیشمرگان اتحاد انقلابیون کردستان بنامهای ابراهیم شریفی و جواد رضائی و دوتن از نیروهای وابسته به حزب دمکرات کردستان ایران بنامهای مصطفی قادری و محمد امین چک اعدام شده اند. محمد مصطفائی از کادر های حزب دمکرات که روز شنبه ۲۹ خرداد در کوی سنجاق عراق ربوده شده بود، دوروز بعد در حالی که آثار شکنجه بر روی جسد او برجای مانده بود پیدای شود.

اجلاس سران، مدیران کل و کارشناسان ارشد وزارت اطلاعات و امنیت رژیم تازه پایان گرفته

تروریسم جمهوری اسلامی، موضوع شناخته شده ای است که نیازی به اثبات ندارد و در واقع عملکرد جنایتکارانه این رژیم در هر لحظه و هر روز حیاتش، برای اثبات آن کفایت میکند. بدون کشتار و ترور و سرکوب، اعم از دوران حیات خمینی یا خامنه ای، این رژیم ارتجاعی و قرون وسطائی، نمیتوانست حتی یکسال هم دوام آورد چه رسد به دو دهه. برخی محافل و جریانات سیاسی بر این اندیشه بودند و چنین تصویری را دامن می زدند که با روی کار آمدن خاتمی، دیگر موضوع تروریسم این رژیم هم خاتمه یافته است. آنها می خواستند و یا می خواهند این دوره را از قاعده عمومی کار جمهوری اسلامی استثنا کنند و در این مورد گفتار خاتمی در زمینه "حل مسالمت آمیز" مسائل با سایر کشورها و "گفتگوهای تمدن ها" و حکومت قانون و امثال آن را بعنوان سند، ضمیمه استدلال و یا ادعای خود میکرده و می کنند. اما امروز چه کسی است که نداند این رشته تلاشها و حرفها که اساساً "مصرف خارجی داشته است، هیچ گونه تغییری در ماهیت تروریستی رژیم ایجاد نکرده و جمهوری اسلامی بعنوان یک رژیم جنایتکار و تروریستی همچنان فعال است. جریان خاتمی البته در عرصه دیپلماسی خارجی سعی کرده است تاچهره دیگری از خود نشان داده و ماهیت تروریستی جمهوری اسلامی را پرده پوشی کند. محافل و جریانهائی نیز با جدا کردن خاتمی از سایر سران رژیم، عملاً "پیش برنده سیاست این جناح و همان چیزی بوده اند که رژیم می خواسته است و آگاهانه یا نا آگاهانه به توجیه گران تروریسم و نظام تروریستی جمهوری اسلامی تبدیل شده اند.

همه گان بیاد دارند که در جریان رسوائی وزارت اطلاعات و امنیت و دست داشتن آن در ترور و کشتار نویسندگان و فعالین سیاسی، آقای رئیس جمهور باچه شور و حرارتی از تروریستهای رژیم و فعال اطلاعاتی و امنیتی اش به دفاع برخاست و ضمن تحسین سربازان گمنام امام زمان، از "خدمات" بی چشم داشت آنان قدر دانی نمود و درست در لحظه ای که گجی و سر درگمی در میان این نیروها تضعیف کل این ارگان ترور و سرکوب را در پی داشت به کمک آن شتافت و هرچه از دستش برآمد در دادن قوت قلب به آنان و در جمع و جور کردن این ارگان و جلو گیری از تضعیف بیشتر آن انجام داد. آخر مگر نه اینکه آقای رئیس جمهور که رئیس شورای عالی امنیت هم هست و تمام هم و غمش حفظ نظام است، مسئول تامین امنیت همین نظام هم هست؟ حتی وقتیکه لفظ قانون و آزادی و غیره راهم بر زبان می آورد، مقصود و هدف غائی اش باز هم حفظ و امنیت همین نظام است؟ خاتمی در دیداری که روز شنبه هشتم خرداد با وزیر، معاونان، مدیران کل و کارشناسان ارشد وزارت اطلاعات بعمل آورد، بار دیگر بر همین نکته تأکید نمود و ضمن ارائه توضیحات مبسوطی در مورد حدود آزادیها و تأکید بر اینکه "در جامعه دینی حد آزادی اخلال به مبانی دین و حقوق عمومی است" بار دیگر نگاه خویش به آزادی را به سمع دوستان و همکاران خود رساند و گفت "نگاه من به آزادی از موضع حفظ نظام است" و ایضاً "تأکید و تکرار نمود که "جامعه باید برای جاسوسی و برانداز امنیت نداشته باشد، جامعه باید برای دشمن نا امن باشد!" ایشان در همان جلسه، پایه موجودیت نظام را امنیت و پایه امنیت را وزارت اطلاعات دانست و گفت "به هیچ وجه تضعیف وزارت اطلاعات تحمل نخواهد شد!"

آری، رئیس جمهور، رئیس شورای عالی امنیت،

آیا راه نجاتی برای کانون نویسندگان هست؟

در اسفندماه سال گذشته، تعدادی از نویسندگان با تشکیل یک اجلاس تصمیم به تجدید فعالیت علنی کانون نویسندگان ایران گرفتند و آن را رسماً اعلام نمودند. نشریه کار در شماره فروردین ۷۸ در مقاله ای تحت عنوان "کانون نویسندگان و سرنوشت آتی آن" مسأله تشکیل کانون نویسندگان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و به خطراتی که موجودیت آن را تهدید میکند، اشاره کرد. در این مقاله نخست گفته شد که بر اقدام نویسندگان تا آنجائی که نتیجه "مبارزه، ابتکار و اراده خود نویسندگان و با زیر پا نهادن قوانین و مقررات رژیم جمهوری اسلامی" است، "باید ارج نهاد و تلاش و کوشش آنها در این راه حمایت نمود." اما بلافاصله خطراتی که موجودیت کانون و فعالیت آتی آن را تهدید میکند، نیز مورد بررسی قرار گرفت. مقاله نشریه کار به دو نکته اشاره داشت. نخست هشدار میداد که "در میان نویسندگان، گروهی هستند که به نحوی از انحاء از حکومت اسلامی و جناحهایی از آن حمایت میکنند. برخی از آنها حتی توانسته اند به عضویت هیئت دبیران موقت کانون نیز درآیند. این گروه در تلاش اند که در جریان حرکت کانون، آن را مستقیم و غیر مستقیم به جناح طرفداران خاتمی وابسته سازند و آن را به ابزاری برای تبلیغات این جناح تبدیل کنند." اینجا دیگر وظیفه نویسندگان حقیقتاً آزادی خواه و طرفدار کانون نویسندگان مستقل از دولت است که هوشیار باشند و اجازه ندهند که توجیه گران نظام ارتجاعی اسلامی از کانون نویسندگان برای پیشبرد مقاصد خود و جناحهای رژیم استفاده کنند. "ثانیاً برای واقعیت تاکید داشت که "در شرایط موجود که هنوز توده وسیع کارگر و زحمتکش به یک مبارزه علنی و مستقیم برای سرنگونی رژیم روی نیاورده است و اختناق و استبداد حاکمیت دارد، نویسندگان و کانون آنها نمیتوانند از آزادی برخوردار باشند." و ادامه میداد اگر اعتلا گسترده جنبش توده ای "به هر علتی به تعدیق افتد، کانون نویسندگان با تلاش طرفداران خاتمی به یک نهاد وابسته دولتی تبدیل خواهد شد و با این رژیم آن را جاروب خواهد کرد." روند تحول اوضاع بسی سریع تر از آنچه که تصور میشد، صحت این تحلیل و ارزیابی را نشان داد. طرفداران خاتمی بلافاصله پس از اجلاس اسفند ماه دست به کار شدند تا کانون را به یکی از جناحهای ارتجاعی حکومت اسلامی وابسته سازند. هنوز مدتی از اعلام موجودیت کانون

نگذشته بود که "هیئت دبیران موقت" مهرار تجماع مذهبی را زینت بخش اطلاعاتی های خود کرد و به نام الله فعالیت خود را ادامه داد. اما کانونی که میخواست به نام خدا با توکل به خدا موجودیت اش را حفظ کند، لاجرم می بایستی وظیفه دفاع از پاسداران حکومت الله را در برابر خود قرار دهد. در راستای انجام این وظیفه بود که وزیر دستگاه اختناق و سانسور حکومت اسلامی به عنوان سمبل آزادی خواهی مورد تعریف و تمجید قرار گرفت. این مواضع، البته نمی توانست مورد تایید نویسندگان حقیقتاً آزادیخواه و حتی لیبرال قرار بگیرد. اعتراض نویسندگان به این مواضع "هیئت دبیران موقت کانون" روز به روز افزایش یافت. با این وجود "هیئت دبیران" همچنان در مسیری که پای گذاشته، پیش میرود. برغم این که هنوز کشمکش در درون کانون بر سر مشی آینده آن ادامه دارد، و گروه کثیری از نویسندگان بویژه نویسندگان در تبعید، مخالفت خود را با مواضع "هیئت دبیران موقت" اعلام نموده اند، اما بعید به نظر میرسد که در اوضاع کنونی از درون تشکل فعلاً موجود، یک کانون نویسندگان مستقل از دولت و آزادیخواه بتواند شکل بگیرد. محال است که در دریای استبداد، جزیره آزادی شکل بگیرد. در شرایطی که توده مردم از آزادی و حق تشکل محروم اند، وجود یک کانون نویسندگان مستقل از دولت و حقیقتاً آزادیخواه خیال باطلی است. ایضا این تصور هم باطل است که همه نویسندگان آزادی خواه هستند و یا به یک درجه طالب آزادی می باشند. نویسندگانی هستند که دشمن آزادی اند و "آزادیخواهی" برخی دیگر هم طراز با "آزادیخواهی" خاتمی است. از دیدگاه این دسته، همین که وزارت ارشاد کمتر سانسور میکند، کمال آزادی است. بنابراین برخی از نویسندگان معترض، بیهوده تلاش میکنند، چنین آدم هائی را بر سر عقل آورند و مواضع آنها را اصلاح کنند. آنها راه خود را به حسب منافع و شعور اجتماعی شان، و درجه "آزادی خواهی" شان انتخاب کرده اند و البته حق دارند، تشکلی هم ایجاد کنند که از ارتجاع اسلامی دفاع نمایند، اما این دیگر کانون نویسندگان ایران بایک تاریخچه درخشان مبارزه علیه استبداد، اختناق، ارتجاع و سانسور و مبارزینی نظیر سعید سلطانپور، مختاری و پوپنده نیست. نویسندگان حقیقتاً آزادی خواه برای احیا آن کانون نویسندگانی تلاش خواهند کرد که زمانی سعید سلطانپور دبیر آن بود.

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

اطریش

I. S. V. W
Postfach 122
Postamt 1061, Wien
Austria

دانمارک

I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد

M. A. M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه

A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris
France

هلند

P. B. 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به آدرس زیر ارسال نمایید.

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org



Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 327 jul1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق